

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی  
در اجلاسیه نهم مجلس خبرگان رهبری

## استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال فرسایش حاکمیت دولتها

طی دو دهه اخیر و به ویژه پس از پایان جنگ سرد، جهانی شدن به یک پدیده و روند غالب در عرصه روابط بین الملل تبدیل شده است. جهانی شدن پدیده‌ای تک بُعدی نیست، بلکه گستره آن به گستردگی همه موضوعات مهم اجتماعی و بین المللی است. در واقع سرنوشت کلیه بخشهای نظام بین الملل در حوزه‌های مختلف اجتماعی به واسطه پیوندهایی از وابستگی متقابل فزاینده و نفوذ و رسوخ در روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ورای مرزهای موجود جغرافیایی به هم گره خورده است. تا جایی که این پرسش مطرح می شود که آیا روند جهانی شدن منجر به فرسایش حاکمیت دولتها می گردد و آیا اقتدار داخلی آنها را در چارچوب واژه حقوقی تعریف شده ملت - دولت به چالش می طلبد؟

بدون تردید اصل بحث حاکمیت دولت به عنوان عنصر تشکیل دهنده هر دولت - ملت مورد پذیرش است، لکن ابهام در دامنه آن می باشد. در حالی که در سالهای بعد از ۱۹۲۰ حاکمیت دولتها در اجرای سیاست خارجی محدود به رعایت یک رشته قواعد بین المللی گردید و این محدودسازی تأثیر فراوانی بر دامنه حاکمیت دولتها داشت، پایان جنگ سرد زمینه و شرایط ایجاد قالبهای جدید بین المللی را فراهم ساخت. در حال حاضر جامعه بین المللی در شرایط ویژه‌ای

قرار گرفته است، زیرا از یک طرف نظام دوقطبی فروپاشیده است و از طرف دیگر هیچ نظام جدیدی جایگزین آن نگردیده است. شاید بهترین دیدگاه این است که بگوییم جهان در دوران انتقالی است.

تردیدی نیست که جهانی شدن مبتنی بر پذیرش تغییرات شتابنده‌ای است که قاعدتاً منجر به بروز تحولاتی در مبانی فکری و بنیادهای نظامهای سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی می‌شود. بدیهی است که چنین رویکرد و تفسیری از جهانی شدن، با مقاومت شدید کشورهای مواجه خواهد شد که اگر چه مخالف تغییر و تحول نیستند اما سرعت و عمق این تحولات را نمی‌توانند بپذیرند. در چنین فضایی است که جهانی شدن جنبه تهدیدآمیز به خود گرفته و طیف وسیعی از کشورهای مستقل آن را یک مبارزه خواهی جدی و نه یک فرصت تازه ارزیابی می‌نمایند.<sup>۱</sup>

نقش و خصوصیات کشورها در قرن جدید بستگی به این امر دارد که در برابر متغیرهای بی‌بدیل و معضله‌های موجود پدیده جهانی شدن، چگونه واکنش نشان خواهند داد. برخی کشورها فرصتهای ناشی از این پدیده را به دست آورده، ولی برخی دیگر خود را در معرض تهدید خواهند یافت. شماری قادر به ایجاد نظامهای منعطف و زیرساختهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی لازم برای مواجهه عقلایی برای تأمین منافع ملی خود خواهند بود؛ اما عده دیگری توانایی انجام دادن این اقدامات را نخواهند داشت. برخی کشورها نیز تلاش خواهند کرد در برابر تغییرات مقاومت کرده و به بیانی دیگر، راه پیوستن به نوآوریهای فنی سریع یا اقتصاد یکپارچه جهانی را انتخاب نکنند. اما در این میان و در رویارویی با این پدیده (جهانی شدن) واکنش ایران چیست و یا چه می‌تواند باشد؟

جامعه ایرانی در شرایط کنونی از یک سو، با تغییرات ژرف و گسترده در محیط داخلی خود مواجه است و از جانب دیگر، رویکردهای مسلط ما، همچنان سنتی و سخت‌افزارانه است. همان شرایطی که پدیده جهانی شدن آن را به مبارزه خوانده است. جمهوری اسلامی ایران در برخورد با پدیده جهانی شدن و فرسایش حاکمیت بیش از سه گزینه فراروی خود ندارد. گزینه اول: واکنش ایجابی، تسلیم، انفعال و استحاله در روند جهانی شدن؛ گزینه دوم، واکنش سلبی، انزوا، نفی و انکار و گزینه آخر برگرفتن راه میانه و بازیگری فعال همراه با تقویت اقتدار ملی است.

1. Jan, Aart Scholte, **Globalization: A critical Introduction**, New York: Palgrave, 2000, pp.41-62.

## واکنش ایجابی

گزینه ایجابی، به معنای تسلیم شدن و یا به عبارت دیگر استحاله در برابر روندی است که امروز به عنوان جهانی شدن مطرح است و قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا می خواهند کشورهای مستقل را به انفعال بکشانند. هدف اصلی در جهانی شدن این است که معیارهای عامی را در زمینه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وجود بیاورند؛ در واقع هدف اساسی، یکسان سازی است. جهانی سازی در مقام عمل، به مفهوم غربی سازی<sup>۲</sup> و یا حتی آمریکایی سازی<sup>۳</sup> است. آیا واکنش ایجابی، انفعالی و تسلیم در برابر این روند امکان پذیر است؟ آیا برای کشوری که می خواهد فرهنگ مستقل داشته باشد و مردم تصمیم به استقلال واقعی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در چارچوب معیارهایی که بر مبنای باورها و اعتقادات خود گرفته اند، تسلیم امکان پذیر است؟

در بحث جهانی شدن، یکی از مسائل مهم، تأثیرات اساسی این روند بر بافت فرهنگی، دینی و قومی جوامع است. آیا ما می توانیم در برابر این تغییرات سرفروید آوریم و تسلیم شویم؟ در بحث جهانی شدن قدرتهای بزرگ در پی آنند که از راه دور، جهان را مدیریت کنند و از طریق سیستم ارتباطی و نرم افزاری بین المللی که در اختیار دارند می خواهند یک مدیریت راه دوری را بر کل جهان تحمیل نمایند. آیا امکان پذیر است کشوری که می خواهد استقلال خود را حفظ کند - جمهوری اسلامی ایران و یا هر کشوری که در پی استقلال سیاسی و فرهنگی است - سلطه دیگران را بپذیرد؟

با توجه به تأثیرات منفی جهانی شدن به ویژه در کشورهای در حال رشد، در سایه رواج معیارهای عام رفتاری در روابط اجتماعی، همچنین افزایش ظرفیت تهدید به علت اعمال قدرت بازیگران قدرتمند و تأثیرات مهم و حیاتی این روند بر بافت فرهنگی، دینی، قومی و اجتماعی، هرگونه تسلیم به مفهوم از دست دادن استقلال و حاکمیت ملی است. همچنین زیانهای ناشی از اعمال مدیریت شرکتهای چند ملیتی و سقوط سهم کشورهای کمتر توسعه یافته از درآمد کل تجارت جهانی، خارج شدن این کشورها از گردونه شبکه تولید و حتی مصرف از طریق تحرک نابرابر اقتصاد جهانی، بهره گیری شرکتهای چند ملیتی از امکانات طبیعی و نیروی کار ارزان در کشورهای جهان سوم و امثال اینها، شرایط بسیار سخت و پیچیده ای را پیش روی کشورهای کمتر توسعه یافته قرار داده اند. در این شرایط، کشوری با

ویژگی اقتصادی مانند ایران و ظرفیت بالای آسیب پذیرهای اقتصادی، چگونه و با چه تضمینی به عنوان «کشور- ملت» خواهد توانست با تسلیم در برابر امواج منفی روند جهانی شدن در صحنه روابط بین الملل به بقا و پیشرفت خود پردازد؟ و چگونه خواهد توانست با حل شدن در این روند پرشتاب و پرمخاطره، حداقلی از منافع ملی خود را تعقیب کند؟

از سوی دیگر در شرایطی که در روند جهانی شدن، شبکه های اطلاع رسانی اینترنت و ماهواره به عنوان یک چهره قدرت عمل می کنند و مستقیماً فرهنگ ملی را نشانه رفته اند و تمدن غرب با این ابزار برای جوانان ما قهرمان آمریکایی می سازند تا آمریکایی بیندیشند، آمریکایی رفتار کنند و با اعمال قدرت بر روی نسل جوان آنها را از درون تغییر دهند و بحران هویت را دامن زنند و فرهنگ ملی ایران اسلامی را در برابر فرهنگ غربی به تسلیم وادارند، ایران چگونه می تواند با واکنش ایجابی، انفعال، وادادگی و تسلیم در برابر این تحولات منفی، مدعی استقلال و حاکمیت ملی باشد؟ بی تردید، نه تجربه تاریخی و نه روند تحولات اجتماعی این مرز و بوم، در برابر تهاجم به سرزمین و آیین اش، گزارشی از سکون، تسلیم و انفعال در برابر تهاجم بیگانه را، روایت نکرده اند.

علاوه بر اینکه تاریخ ملت ایران نشان می دهد که از دیر باز در همه مقاطع حساس حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مثلاً در دوران صفویه و قاجار یعنی حدود ۱۰۰ تا ۴۰۰ سال قبل، همواره ملت ایران در برابر تهاجم و تجاوز بیگانه ایستادگی و مقاومت کرده است. از دوران صفویه گرفته تا به امروز و حتی قبل از آن، همواره این ملت بر استقلال خود پای فشرده است. استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همواره برای ملت ایران یک اصل بوده است، مخصوصاً بعد از شروع نهضت اسلامی و بالاخص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که بزرگترین هدفی که مورد تأکید مردم بوده اسلامیت، استقلال، مردم سالاری و آزادی بوده است. برای این استقلال، مردم ما همواره در طول تاریخ بهای گزافی را پرداخت کرده است.<sup>۴</sup> مخصوصاً در دوران بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران که عزت، سربلندی و استقلال در این سرزمین در سایه خودباوری و بازگشت مردم به شخصیت اسلامی و ملی خود، جایگاه خود را بازیافته اند و این اصول و ارزشها بیش از مقاطع گذشته تبلور دارند. بنابراین، این گزینه هم از لحاظ تاریخی و از لحاظ فرهنگ مردم ایران نمی تواند مورد قبول باشد. از لحاظ معیارهای اسلامی و انقلابی هم که بسیار روشن است و نمی تواند مورد قبول باشد. پس گزینه انفعالی یا

۴. ببینید ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

گزینه تسلیم و استحاله در برابر این روند، قطعاً از دید مردم ایران و از دید مسئولین کشور با پاسخ منفی روبرو است.

### واکنش سلبی

گزینه دوم، واکنش سلبی، واکنش نفی و واکنش انکار است. یعنی روند تحولات جهانی را کاملاً نادیده بگیریم. در بُعد اقتصادی هر تحولی اتفاق بیفتد، در بُعد سیاسی هر فرآیندی در جریان باشد، در زمینه اطلاعات و ارتباطات شاهد هر نوع پیشرفت در سایه فن‌آوریهای نوین باشیم و در سایر ابعاد زندگی اجتماعی و بین‌المللی شاهد هر تحولی باشیم، ما بی‌توجه به همه آنها و بدون در نظر گرفتن واقعیتها، برنامه و سیاست خودمان را دنبال کنیم. نفی یک واقعیت، تغییری در آن واقعیت ایجاد نمی‌کند. نفی و سلب آنچه که امروز در سطح جهانی وجود دارد، تأثیری در شاکله آن به وجود نمی‌آورد. ما واقعیتهای جهانی را نمی‌توانیم انکار کنیم. امروزه فن‌آوری پیشرفته ارتباطات، شرایط جدیدی را برای زندگی مردم به وجود آورده است. نسل جوان ما از طرق مختلف، ایده‌ها و افکار جهانی را دریافت می‌کنند و به راحتی می‌توانند با دنیا مرتبط شوند. با یک خط تلفن و با یک رایانه به راحتی می‌توانند با جهان ارتباط برقرار کنند. ما نمی‌توانیم منکر گردش سریع اطلاعات در دنیای امروز باشیم. ما نمی‌توانیم منکر تکنولوژی پیشرفته و آثار آن در دنیای امروز باشیم. بنابراین گزینه سلبی، انکار واقعیتی است که نه منطقی و نه عملی است.<sup>۵</sup>

پیامدهای انتخاب گزینه واکنش سلبی و انزوا با توجه به ویژگیها و خصوصیات جهان کنونی، تفاوتی با انتخاب گزینه اول ندارد. زمانی که آگاهی جهانی با رشد میزان ارتباطات در اقصی نقاط جهان گسترش می‌یابد و نمی‌توان رشد جهانگیر شبکه‌های ارتباطی را انکار نمود، در شرایطی که در بستر جوامع، هویتها و جنبشهای اجتماعی جدیدی در قالب جنس، زبان، قومیت و... تولید و یا باز تولید می‌شوند و جوامع با هویت و فرهنگ مجازی نوینی روبرو هستند، وادادگی محض (گزینه اول)، یا فرار از واقعیت و نفی و انکار آن (گزینه دوم)، تغییری در سرنوشت کشور به وجود نخواهد آورد.

وقتی پیشرفت سریع وسایل ارتباط جمعی، کنترل حاکمیت را نه تنها از دولتها، بلکه از مؤسسات خصوصی محدود نیز خارج می‌کند. در شرایطی که دولتها فاقد توانایی برای ممانعت

5. See N. Kumar and J.H. Dunning, **Globalization, Foreign Direct Investment and Technology Transfer**. Tokyo: The United Nations University, 1998.

و جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات هستند. حتی دولتهایی با نظام درونگرا و تنیده در خود نیز چاره‌ای جز واگذاری برخی از سنگرهای حاکمیت را ندارند، هر چند که سرزمین وسیعی به نام کشور و انبوهی از جمعیت به نام ملت را داشته باشند. به هر حال در این شرایط که روند جهانی شدن بخشی از واقعیت جهان با وابستگی متقابل و فزاینده می‌باشد و روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مرزهای سرزمینی و یا به بازیگران دولتی محدود نمی‌شود و هیچ دولتی بی‌تأثیر از فعالیتهای خارج از کنترل آن نیست، گزینه واکنش سلبی، انزوا و نفی، نه معقول است و نه در عمل امکان‌پذیر می‌باشد.

### واکنش مقتدرانه

واکنش سومی که می‌توانیم پیش‌رو داشته باشیم، که می‌تواند این واکنش مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران و نظامهای مستقل جهان نیز باشد، واکنش مقتدرانه، سازنده و چالشگر با بازیگری فعال در صحنه جهانی است. این واکنش به این معناست که جهانی شدن فرصتهایی را پیش‌روی ما می‌گذارد و ما می‌توانیم از این فرصتها استفاده و بهره‌برداری کنیم. انتخاب گزینه واکنش مقتدرانه در قبال روند پرشتاب و پرمخاطره جهانی شدن، حاصل نگرش و زاویه دید دیگری به جهانی شدن است. در این نگرش، چالش اصلی جهانی شدن را چگونگی بهره‌گیری از فرصتهای انکارناپذیری می‌داند که پدیده جهانی شدن فراروی انسانها قرار داده است. رقابت در عرصه جهانی، ضرورتاً همیشه مضر نیست بلکه می‌تواند زمینه همکاری میان کشورها را افزایش دهد.

از سوی دیگر، اگر چه جهان در ۵۰ سال گذشته سالهای پرتحولی را پشت سر گذاشته، اما این به آن معنا نیست که نسل حاضر تنها نسلی است که در فضای آکنده از تحول به سر برده است. تجربه انقلاب صنعتی در قلمرو کشورهای اروپایی و شکل‌گیری نظم جدید جهانی پس از جنگ جهانی دوم، از دوره‌های حساسی به حساب می‌آیند که به نوعی مردم آن دوره‌ها را غرق در تغییر و تحول ساخته بودند. البته نباید فراموش کرد که سرعت وقوع تحولات در عصر حاضر با هیچ یک از دوره‌های پیشین قابل قیاس نیست و این وجه ممیزه دوره معاصر می‌باشد.<sup>۶</sup> از مطالعه دوره‌های مشابه تاریخی چنین برمی‌آید که هیچگاه انزوا و فرار از واقعیتها، معضلی را حل نکرده است و ملتهایی که برخورد فعال و هوشمندانه با تحولات داشته‌اند موفق

6. Jan Aart Scholte, op.cit., pp. 13-40.

بوده‌اند. گرچه «عدم اطمینان» ویژگی مشترک دوره تحول می‌باشد و اینکه همگان بسیار مشتاقند تا بتوانند به یک بینش گویا و راهگشا در تجزیه و تحلیل و حل و فصل مسائلشان دست یابند. ایران با توجه به گذشته تاریخی و فرهنگی خود و نیز ظرفیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کنونی - چنانچه خود را مهیا کند - می‌تواند به مسیری راهگشا جهت حل و فصل مسائل خود در روند جهانی شدن دست یابد. ایران می‌تواند کشوری استراتژیک باشد که هم از نظام جهانی بهره‌برداری کند و هم به لحاظ منزلت استراتژیک تحولاتش بر نظام جهانی تأثیرگذار باشد. ایران با منزلت استراتژیک خود می‌تواند مسیر حرکت جهانی خود را در چارچوب استراتژی موازنه مثبت و فعالانه قرار دهد. این منزلت استراتژیک، ملزومات خاصی دارد که بی‌توجهی به آن موجب از دست رفتن فرصتهای ایران می‌شود. ملزومات بهره‌گیری از این منزلت این است که ایران بتواند رانت مالکانه منزلت خود را گرفته تا هم خود را قدرتمند سازد و هم از این رهگذر، الگویی برای کشورهای در حال توسعه باشد.

انتخاب دو گزینه انفعال و انزوا به هیچ وجه شایسته موقعیت و منزلت ایران نبوده و به نظر می‌رسد که گزینه سوم، یعنی افزایش سطح قدرت داخلی، اقتدار ملی و منزلت استراتژیک، تنها راه فراروی ایران در روند کنونی تحولات جهانی است. استفاده مؤثر از روند جهانی شدن منوط به کیفیت اثرگذاری و مداخله در مراکز و محافلی است که تصمیمات کلیدی اقتصادی و سیاسی جهان امروز و آینده را اتخاذ می‌کنند. افزایش کیفیت اثرگذاری در این روند و همچنین برون رفت از بحرانهای ناشی از امواج منفی جهانی شدن، منوط به تقویت «اقتدار ملی» است. تقویت اقتدار ملی، هم رویکرد نرم‌افزارانه و هم رویکرد سخت‌افزارانه را طلب می‌کند. چنانچه تقویت اقتدار ملی در حوزه‌های ساخت دولت، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و توسعه دفاعی صورت پذیرد، کنترل و مهار فرسایش حاکمیت ملی را ممکن می‌سازد.

در واقع جهانی شدن فرصتهای مطلوبی دارد که از آن فرصتها می‌توانیم استفاده کنیم. تهدیداتی هم پیش روی ما قرار می‌دهد که ما برای آن تهدیدات باید برنامه‌ریزی کنیم. به عنوان مثال از فن‌آوری ارتباطات می‌توان برای احیای تفکر اسلامی استفاده و بهره‌برداری نمود. برای ابلاغ پیام به دیگران، شرایط جدید یک فرصت مطلوب است. ج.ا.ا. به عنوان یک دولت مستقل و انقلابی می‌تواند به طور فعال وارد صحنه جهانی شود. انزوا و گوشه‌گیری را انتخاب نکند و به صورت فعالانه از فرصتها استفاده کند و در مواردی که این روند با اصولش در تضاد است به

چالش پردازد.

تاریخ ملت ایران نشان داده است که ایران در تمام مقاطع حساس تاریخی، حداقل در منطقه ما پیشتاز بوده است. غیرازمسئله جهانی شدن، در گذشته تحولات بزرگی در تاریخ داشته ایم و توانسته ایم از آنها به خوبی عبور کنیم. البته در مقطع فعلی روند جهانی شدن سرعت بیشتری دارد. در مقاطع گذشته ما توانستیم از معابر خطرناک تاریخی عبور کنیم و فرهنگ و ارزشهای خودمان را نیز حفظ کنیم. از انقلاب صنعتی به عنوان یک فرصت، استفاده و بهره برداری کردیم و در مواردی که علیه منافع ملی ما بود در برابرش ایستادگی کردیم.

اولین کشوری که در منطقه خاورمیانه با قاطعیت از زمان فتوای تنباکو تا به امروز، در برابر استعمار ایستاد ملت بزرگ ایران بود. در این منطقه پیشتاز در حرکت مردم سالاری همین ملت بود. انقلاب مشروطه را این ملت به وجود آورد و قبل از اینکه کشورهای منطقه مجلس قانونگذاری داشته باشند نزدیک به ۱۰۰ سال پیش در ایران مجلس شورای ملی تأسیس شد. انقلاب مشروطه را علما، بزرگان، اندیشمندان و ملت با فداکاریهای فراوان در برابر استبداد و استعمار خارجی به وجود آورد. ما در همه این زمینه ها پیشتاز بوده ایم. حتی در زمینه ملی شدن نفت هم، ایران در منطقه پیشتاز بود. در این منطقه، قبل از دیگران، کشوری که در برابر استعمار غرب ایستاد و نفت را ملی کرد ایران بود. در مسئله احیای تفکر اسلامی هم بی تردید جمهوری اسلامی ایران پیشتاز بوده و توانست در سایه نهضت و انقلاب اسلامی، نظام حکومتی و مدیریتی جدیدی را در چارچوب موازین اسلامی شکل دهد و احکام اجتماعی اسلام را اجرا و پیاده کند.

ملتی که در تمام مقاطع، حساس پیشتاز تحولات مهم در منطقه بوده و در تحولات بزرگ پرچمدار بوده است، قطعاً قادر خواهد بود تا در نحوه تعامل با مسئله جهانی شدن هم پیشتاز باشد و الگو و الگوساز برای کشورهای منطقه و کشورهای مستقل در سراسر جهان باشد. ایران همواره یک جایگاه استراتژیک داشته و ملت بزرگ آن با این جایگاه همواره توانسته به اهداف بلندی که مد نظرش بوده دست یابد و امروز هم انجام این وظیفه مهم برای ج.ا.ا. امکان پذیر است.

### حوزه های مختلف جهانی شدن

در بحث جهانی شدن باید مسائل را به چند بخش تقسیم کنیم. یک بخش مواردی که مقررات،



قوانین و عرف بین‌المللی می‌تواند برای ما فرصت باشد و یا لاف‌تل تهدید نخواهد بود. اساساً در دنیای امروز زندگی کردن بدون تماس و بهره‌برداری از این فرصتها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، در این گونه قراردادهای، معاهدات و کنوانسیونهای بین‌المللی که در چارچوب منافع ملی ماست، خودمان داوطلبانه عضو آنها می‌شویم و در مقام عمل نیز برای تأمین منافع خودمان به آن مقررات پایبندیم. مثلاً مقررات بین‌المللی که الان برای پرواز هواپیماها، حرکت قطارها و کشتیها به کشورهای مختلف مورد توجه و عمل همه کشورها قرار می‌گیرند. کشتیرانی که در آبهای بین‌المللی انجام می‌گیرد، همچنین هواپیماهایی که به ناچار از فضای کشورهای مختلف عبور می‌کنند بدون مراعات مقررات بین‌المللی، سلامت سفر آنها تضمین نخواهد شد. تمام امواج رادیویی که از فرکانسهای مختلف پخش می‌شوند به نحوی بین کشورها تقسیم‌بندی شده است. اگر فرکانسها تقسیم نشود تداخل امواج مانع استفاده صحیح از آنها خواهد شد. حتی فضا هم به نحوی تقسیم‌بندی شده است. مناطقی که کشورها می‌توانند ماهواره‌های خود را پرتاب کنند مشخص شده است. ما از این مقررات به عنوان یک فرصت می‌توانیم استفاده کنیم و وارد این کنوانسیونها و مجامع در جهت استفاده و بهره‌برداری برای منافع کشورمان شویم و در این زمینه مشکلی وجود ندارد. نه تنها همکاری و هماهنگی در این گونه موارد، با اصول، ارزشها، اهداف و موازین اسلام و اعتقادات ما، تضادی ندارد، بلکه در بسیاری از این موارد تأمین منافع ملی ما در سایه اجرای این مقررات امکان‌پذیر است. لذا این قراردادها، کنوانسیونها و معاهدات را، مجلس شورای اسلامی تصویب می‌کند و شورای نگهبان هم تأیید می‌نماید. بنابراین، در این بخش با مشکلی مواجه نیستیم و حتی فرصتهایی هم در اختیار ما قرار گرفته است.

بخش دیگر از مقررات و معاهدات بین‌المللی به گونه‌ای است که هم ما می‌توانیم از آنها استفاده و بهره‌برداری کنیم و هم دشمن می‌تواند از آنها علیه ما بهره‌برداری و استفاده کند. این مسئله وابسته به توانمندی و قدرت ما، توانمندی دیپلماسی ما و پرستیژ، جایگاه و نحوه تحرک ما در سطح جهان می‌باشد تا چگونه از این مقررات استفاده کنیم. به عنوان مثال، ما عضو N.P.T.<sup>۷</sup> و معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای هستیم و آن را امضا کرده‌ایم و به آن متعهد شده‌ایم، که می‌تواند برای ما یک فرصت باشد، به دلیل اینکه ماده ۴ همین معاهده به کشورهای صنعتی دنیا تکلیف می‌کند که به کشورهایی که به این معاهده پیوسته‌اند باید کمک کنند و آنها را

تشویق می کند که فن آوری هسته ای صلح آمیز را در اختیار این کشورها قرار دهند.<sup>۸</sup> پس ما از این معاهده و از این فرصت می توانیم استفاده کنیم. چون فن آوری هسته ای یک فن آوری بسیار گسترده و وسیعی است که در زمینه تولید برق، کشاورزی، پزشکی، بهداشت و در سایر بخشهای مختلف زندگی می توانیم از آن استفاده کنیم. ما از این توان در دهها مصرف صلح آمیز می توانیم بهره برداری کنیم؛ دشمن هم می تواند از این نوع معاهدات سوءاستفاده کند، همان طوری که با اتهامات بی اساس و طرح مطالب غیر واقعی نسبت به برخی از کشورهای مستقل، فشار سیاسی و اقتصادی خود را وارد می کند. بنابراین، در برخی از موارد ما می توانیم بهره برداری و استفاده کنیم، دشمن هم می تواند سوءاستفاده کند؛ این مسئله وابسته به توانمندی ماست که چگونه بتوانیم در صحنه بین المللی حضور یابیم و بتوانیم از پیچ و خم مقررات عبور کنیم و استفاده نماییم.

خوشبختانه در شرایط حاضر در بسیاری از برخوردها، مذاکرات، کنفرانسها و جلسات رسمی، مقامات ج.ا.ا. نسبت به بسیاری از این نوع معاهدات و کنوانسیونها به عنوان طلبکار با کشورهای صنعتی برخورد می کنند. واقعاً هم ما نسبت به جهان صنعتی مطالبات فراوانی داریم. یعنی ما در عمل ملتزم به این معاهدات شده ایم ولی متأسفانه کشورهای صنعتی به این معاهدات ملتزم نیستند و همواره تخلف کرده اند و با تخلف آنها ضررهای اقتصادی، علمی و صنعتی فراوانی به ما وارد شده است و نگذاشته اند ما از فن آوری صلح آمیز استفاده و بهره برداری کنیم. بنابراین در این بخش ما می توانیم به صورت فعال وارد شویم تا بتوانیم از مقررات و معاهدات استفاده و بهره برداری کنیم.

بخش دیگر در روند جهانی شدن، مواردی است که برای ما عمده تاً می تواند تهدید آمیز باشد که عمده تاً در بخشهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. البته در دیگر زمینه ها هم تهدیداتی وجود دارد. در این بخش باید چکار کنیم؟ ما معتقدیم در این بخش، هر مقدار بتوانیم اقتدار ملی را بالاتر ببریم می توانیم بهتر با جهان مواجه شویم و بهتر می توانیم از منافع خودمان دفاع کنیم

۸ ماده ۴-۱- هیچیک از مقررات پیمان حاضر به نحوی تعبیر نخواهد گردید که به حقوق غیر قابل تفویض هر یک از دول طرف پیمان در راه توسعه تحقیقات و تولید و بهره برداری از انرژی هسته ای به منظورهای صلح جویانه بدون تبعیض و طبق مقررات مواد ۱ و ۲ پیمان حاضر. لطمه وارد سازد. کلیه دول طرف پیمان متعهد می شوند. مبادله هر چه وسیع تر تجهیزات و مواد و اطلاعات علمی و تکنولوژیک را به منظور مصارف صلح جویانه انرژی هسته ای تسهیل نمایند و حق مشارکت در این مبادلات را دارا می باشند. به علاوه طرفهای پیمان که قادر باشند باید همچنین افراد یا به اتفاق سایر دول یا سازمانهای بین المللی. در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح جویانه خصوصاً در سرزمینهای دول طرف پیمان که فاقد سلاحهای هسته ای هستند با توجه لازم به احتیاجات مناطق در حال رشد جهان. تشریک مساعی نمایند.

و از این روند به نفع کشور استفاده و بهره‌برداری نماییم. یک نمونه روشن در این بخش، آثار یک‌جانبه‌گرایی آمریکاست که می‌تواند برای ما و سایر کشورهای مستقل جهان خطرآفرین باشد.

### یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

یک‌جانبه‌گرایی به عنوان فضای جدیدی است که آمریکا در پی تثبیت آن در جهان است. این فضا قطعاً برای کشورهای مستقل و منجمله ج.ا.ا. تهدیدآمیز خواهد بود. البته ما در چالش در برابر این فضای خطرناک تنها نیستیم، یعنی این ج.ا.ا. نیست که می‌خواهد در برابر این پروژه آمریکایی مقاومت و ایستادگی کند، بلکه همه کشورهای جهان با این نقشه به مخالفت بپاخواسته‌اند. در واقع در روندهای مخاطره‌آمیز و تهدیدکننده گاهی مسئله‌ای مربوط به کشورهای جهان اسلام می‌شود، گاهی مربوط به جهان سوم یا جهان در حال توسعه می‌شود و گاهی هم مربوط به همه کشورهای جهان غیر از آمریکا می‌شود.

در برابر مسئله یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، تنها مخالفت و چالش جمهوری اسلامی ایران مطرح نیست، حتی تنها مخالفت کشورهای اسلامی هم نیست، تنها بحث کشورهای غیر متعهد هم نیست، مدعی‌تر از همه ما در این رابطه کشورهای نظیر کشورهای اروپایی، روسیه، چین و ژاپن هستند و یا لاقلاً آنها هم در حدّ ما، معترض هستند. در واقع یک‌جانبه‌گرایی، یک تهدید جهانی برای همه کشورهاست، تهدید برای یک کشور خاص نیست. لذا می‌بینید تمام کشورهای اروپایی حتی اعضای پیمان ناتو هم با یک‌جانبه‌گرایی، مخالفت می‌کنند. حتی انگلستان که با آمریکا از کشورهای دیگر اروپایی نزدیک‌تر است، مخالف یک‌جانبه‌گرایی است. همه مقامات سیاسی انگلیس، در جلسات رسمی و علنی و در موضع‌گیریها به صراحت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مخالفت می‌کنند.<sup>۹</sup>

تنها خود آمریکا طرفدار یک‌جانبه‌گرایی است، بدون اینکه کشور دیگری آنرا قبول داشته باشد. حتی در داخل آمریکا هم این مسئله مورد اختلاف است. درست است امروز گروه حاکم به شدت در پی استقرار نظام تک‌قطبی است اما در عین حال بسیاری از اندیشمندان، نمایندگان مجلس، متفکرین، صاحب‌نظران، استراتژیست‌ها و مراکز مطالعاتی آمریکا، مخالف این روند هستند و می‌گویند این مسیر، آمریکا را در نهایت به‌انزوا و شکست می‌کشاند. بسیاری از

صاحب نظران می گویند در مسیر یک جانبه گرایی در نهایت، کشورهای جهان در برابر آمریکا متحد می شوند و آمریکا نمی تواند این مسیر را تا پایان ادامه دهد.

آمریکا امروز در برابر هر آنچه که مانع این روند باشد نظیر سازمان ملل، شورای امنیت، مقررات و معاهدات بین المللی، عرف بین المللی و حتی افکار عمومی جهان می ایستد. مقامات آمریکایی به صراحت می گویند، اگر مقررات و معاهدات و سازمانهای بین المللی موافق منافع ما نباشد، آنها را نمی پذیریم و به آنها پایبند نخواهیم بود. در بحث تروریسم می گویند، رهبری سازمان ملل را قبول نداریم و هر دولتی یا با ماست و یا با تروریسم است. فعلاً این شعارها مرتب تکرار می شود اما بسیاری از متفکرین آمریکایی معتقدند که در نهایت امر، این روند منجر به شکست و انزوای آمریکا خواهد شد. نقض مقررات بین المللی بی تردید، تنفر جهانی را نسبت به دولتمردان آمریکا به وجود آورده و آمریکا را به عنوان یک کشور یاغی به جهان معرفی خواهد کرد. خروج آمریکا از پیمان کیوتو یا خروج از دیگر معاهدات و مقررات بین المللی، رد C.T.B.T. و بسیاری از کنوانسیونهایی که آمریکا آنها را رد کرده است در خود اروپا تهاجم وسیعی را علیه به وجود آورده است، که حتی دوستان و مدافعین آمریکا نتوانسته اند از این روند دفاع کنند و به صراحت می گویند این شیوه مورد قبول ما نیست. بنابراین، در موضوع یک جانبه گرایی، آمریکا تنهاست و افکار عمومی جهان و دنیای اسلام با آن موافق نیستند.

فضایی که در آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر به وجود آمد یک فضای احساسی بود که از این فضا دولتمردان آمریکا برای پیشبرد اهدافشان استفاده و بهره برداری کردند. گرچه در ماههای اولیه بعد از حادثه شرایط به نفع آمریکا بود ولی هر چه از آن تاریخ گذشت، زمینه در افکار عمومی برای فعالیت آمریکا در این مسیر کمتر شده است. لذا در ماههای اولیه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر وقتی آمریکاییها خواستند به افغانستان حمله کنند، همه متحدین آمریکا با این کشور همراه شدند. در سازمان ملل، چندین قطعنامه در شورای امنیت به اتفاق آرا به تصویب رسید. به گونه ای که آمریکا وقتی به افغانستان حمله کرد فقط یکی، دو کشور در جهان این حمله را محکوم کردند که یکی از آنها جمهوری اسلامی ایران بود. ولی امروز در ماجرای عراق شما شکاف را در خود سازمان ملل، در اتحادیه اروپا و همچنین در داخل آمریکا می بینید.<sup>۱۰</sup>

آخرین نظرسنجیها نشان می دهد که بیش از ۵۰٪ مردم آمریکا با جنگ به صورت یک جانبه

10. Michael Eliot, "Why Empires Strike out," **Time**, May 12 2003.

مخالف هستند و می‌گویند اگر شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای در این زمینه تصویب نکند ما با حمله به عراق مخالفیم.<sup>۱۱</sup> در داخل آمریکا هم افکار عمومی این مسئله را نمی‌پذیرد. در اروپا در بسیاری از کشورها بیش از ۸۰٪ مردم مخالف جنگ هستند.<sup>۱۲</sup> در کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی هم وضع کاملاً روشن است. در اجلاس غیرمتعهدها که هفته قبل در کوالالمپور تشکیل شد بالحن قاطعی همه کشورهای غیرمتعهد جنگ طلبی آمریکا را محکوم کردند. بنابراین هرچه زمان می‌گذرد کار دولت‌مردان آمریکا از نظر افکار عمومی سخت‌تر و دشوارتر می‌شود و این چنین نیست که آمریکا برای دستیابی به اهدافش با هیچ مانع و مشکلی روبرو نباشد، بلکه این مشکلات روز به روز بیشتر می‌شود.

بنابراین، در بخش یک جانبه‌گرایی ما تنها نیستیم بلکه آمریکا تنهاست و همه کشورها امروز با این منطق مخالفند و این مخالفت را هم به صراحت اعلام می‌کنند و هیچ دولتی هم نظرش را در این زمینه مخفی نکرده است؛ استثنایی هم در این زمینه وجود ندارد و هیچ کشوری در جهان نیست که با یک جانبه‌گرایی آمریکا موافق باشد.

### همکاری با کشورهای هم هدف

در بحث جهانی شدن موارد دیگری هم هست که ما تنها نیستیم، بلکه افکار عمومی جهان اسلام با ما است. مثلاً در بحث حقوق بشر، در بسیاری از مواردی که غرب اشکالاتی به ما دارد، آن اشکالات به قوانین و مقررات ج.ا.ا. مربوط می‌شود، که در واقع اشکال به ج.ا.ا. نیست بلکه اشکال به همه کشورهای اسلامی است که مقررات اسلامی را اجرامی کنند. در واقع آنجا که بحث احکام و اجرای احکام اسلام است ما پشتیبانی یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان سراسر جهان را پشت سر خودمان داریم و لذا در این گونه موارد تعامل با کشورهای اسلامی بسیار اهمیت دارد. احیای کنفرانس اسلامی و با زبان کنفرانس اسلامی سخن گفتن بسیار اهمیت دارد. در ماجرای ارتداد سلمان رشدی از همین تریبون به خوبی استفاده شد. یعنی وقتی کنفرانس اسلامی رشدی را محکوم کرد و گفت حکم ارتداد، حکم اسلامی است و باید حکم اسلام اجرا شود، وضع فرق کرد. خیلی فرق می‌کند که پنجاه و چند کشور اسلامی موضوعی را اعلام کنند یا اینکه فقط از طرف جمهوری اسلامی ایران موضوعی

۱۱. در نظر سنجی CNN و Time ۵۷٪ مردم آمریکا اعلام کردند تصمیم نهایی در مورد مسئله خلع سلاح عراق در اختیار سازمان ملل است، نه در اختیار رئیس‌جمهور آمریکا و یا کنگره آمریکا. منبع: <WWW.Time.com. 26.02.2003>

۱۲. تلکس ایرنا و واحد مرکزی خبر به نقل از نظرسنجیهای انجام گرفته در کشورهای مختلف اروپا ۸۱/۱۲/۳ و ۸۱/۱۲/۹.

اعلام شود. در بسیاری از موارد ما تنها نیستیم، بحث دنیای اسلام است و باید همه کشورهای اسلامی را در این موارد، متحد و منسجم کنیم و با سازماندهی کشورهای اسلامی به مقابله با این گونه حرکتها برخیزیم. برخی از موارد هم، مواردی است که به کشور خودمان و یا بعضی از کشورهای در حال توسعه مربوط می شود. که باید برای چالش با آنها برنامه ریزی کنیم. در بسیاری از مسائل فرهنگی و یا اقتصادی، مشکل، تنها مشکل ما نیست. در بخش فرهنگی امروز با همان لحنی که ما چند سال پیش از تهاجم فرهنگی سخن می گفتیم، همان لحن را از هند و چین و حتی اروپای غربی می شنویم. امروز اروپاییها به شدت نگران این مسئله هستند که فرهنگ مستقل و ملی آنها تهدید می شود. جالب توجه است که در چند سال اخیر در بسیاری از کشورهای اروپایی که زبان رسمی آنها، زبان انگلیسی نیست لغتهای جدید انگلیسی را از مکالمات روزمره حذف می کنند. حتی در ژاپن در چند سال اخیر یک تحرکی آغاز شده تا لغتهای انگلیسی را به لغات محلی تبدیل کنند و جای آنها، لغات ژاپنی جدید را ترویج می کنند. در چین و در بسیاری از کشورهای دیگر نیز این حرکت آغاز شده است. در واقع یک اقدام جدی در برابر یکسان سازی فرهنگی علی رغم تلاش آمریکاییها شروع شده است. شعاری که آمریکاییها دارند این است که باید دنیا را به فرهنگ آمریکا نزدیک کنیم تا نه تنها آمریکایی زندگی کنند بلکه حتی آمریکایی بیندیشند. در برابر این شعار، عکس العمل گسترده ای نیز در کشورهای مختلف جهان شروع شده است.

در سالهای اخیر بسیاری از مقامات کشورهای مختلف به صراحت، بحث تهاجم فرهنگی را مطرح می کنند و می گویند تهاجم فرهنگی، امروز یک معضلی است که باید برای مقابله با آن فکر جدی شود. بنابراین، در برخی از این مشکلات چه فرهنگی و چه اقتصادی، که در بخش اقتصاد گاهی شدیدتر هم هست ما تنها نیستیم، بلکه کل کشورهای در حال توسعه در کنار ما هستند و همه باید در این زمینه دست به دست هم بدهیم و زمینه را برای جهان چندقطبی آماده کنیم.

### اقتدار ملی

بی تردید هر مقدار اقتدار ملی ما بیشتر شود، ایستادگی، مقاومت و قدرت تعامل ما با جهان بهتر انجام می گیرد. اساساً بسیاری از قوانین و مقررات بین المللی بر مبنای قدرت، ساخته و تدوین شده است. یعنی قدرت نظامی به قدرت سیاسی و قدرت سیاسی به مقررات حقوقی و قوانین

بین‌المللی ترجمه شده است. ما هم هر مقدار قدرت و توانمان بیشتر باشد بهتر می‌توانیم در این زمینه تعامل سازنده‌تر و بهتری را با دنیا داشته باشیم. بدون قدرت‌سازی و اقتدار ملی، به تدریج باید در انتظار استحاله و تسلیم در برابر حرکت جهانی‌سازی باشیم.

در زمینه اقتدار، یک بخش از اقتدار ما ساختاری و مربوط به جایگاه تاریخی و جغرافیایی کشور است، مثل جایگاه استراتژیکی و ژئوپولیتیکی که ج.ا.ا. از لحاظ منطقه‌ای دارد. مرزهای ما در کنار خلیج فارس و دریای خزر است و بزرگ‌ترین ساحل این منطقه و تنگه استراتژیک هرمز در اختیار ماست. این موقعیت از لحاظ منطقه‌ای و از لحاظ جهانی بسیار حائز اهمیت است. مهم‌ترین جزایر خلیج فارس متعلق به ج.ا.ا. است. در زمان خطر از لحاظ استراتژیکی هر کدام از جزایر نقش یک ناو هواپیمابر را در منطقه خلیج فارس ایفا خواهند کرد. موقعیت ایران به گونه‌ای است که بر کل مخازن انرژی منطقه تسلط طبیعی دارد. نقش انرژی منطقه بر اقتصاد کشورهای صنعتی به خوبی نشان می‌دهد که این منطقه چقدر اهمیت دارد و چگونه انرژی جهان از این منطقه تأمین می‌شود. با توجه به عرض کم خلیج فارس، موقعیت ایران به گونه‌ای است که تمام پایگاههای جنوبی خلیج فارس و همه مخازن نفتی این منطقه عملاً در تیررس سلاحهای ایران قرار دارند. جایگاه استراتژیک و منزلت جغرافیایی ایران یک اقتدار قابل ملاحظه‌ای است که باید درست از آن استفاده و بهره‌برداری شود. بخش مهم‌تر در زمینه اقتدار ملی، مواردی است که باید با برنامه‌ریزی و تلاش و بسیج ملی به قدرت‌سازی پردازیم؛ که به برخی از این موارد در این بحث اشاره خواهد شد.

### ساخت قدرت

برای اینکه ما بتوانیم یک تعامل فعال و سازنده‌ای با روند جهانی شدن داشته باشیم نیازمند به قدرت، هم قدرت سخت‌افزاری و هم قدرت نرم‌افزاری هستیم. قرآن مجید سه نوع قدرت را مطرح می‌کند: قدرت سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و قدرت مافوق هر دو که در آیات مختلف برای ما بیان کرده است.

قرآن مجید در آیه‌ای می‌گوید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوًّا وَعَدُوًّاكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.»<sup>۱۳</sup>

«هر چه که در توان دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید! و همچنین مرکبهای میدان نبرد را، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد. و هر چه در راه خدا اتفاق کنید، به طور کامل به شما باز گردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد.»

این جنبه سخت افزاری قدرت است که قرآن دستور می دهد از همه امکانات، ابزار و ادوات و اموال در برابر تهدید دشمن استفاده کنیم. مبنای «ارهاب» است. یعنی آن مقدار توان نظامی خود را باید بالا ببریم که بازدارنده باشد و دشمن را از تصمیم حمله و تجاوز باز دارد. در واقع توان و قدرت دفاعی یک کشور اسلامی باید در حدی باشد که دشمن احساس کند در صورت تجاوز، ناچار است بهای بسیار سنگینی را پرداخت کند، به گونه ای که از تجاوز منصرف شود.

در آیه دیگر می گوید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلَّمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۱۴</sup>

«ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ تشویق کن! هرگاه بیست نفر از شما با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که دارای فهم و درک درست نیستند. هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما سستی و ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد؛ و خدا با صابران است!»

این هم جنبه نرم افزاری قدرت است یعنی گروهی با ایمان و روحیه مقاومت و استقامت می توانند در مقابل ده برابر قدرت خودشان ایستادگی و مقاومت کنند. مسئله قدرت روحی، انگیزه و ایمان را قرآن به عنوان نرم افزار برای ما بیان کرده است. بی تردید در میدان مبارزه و نبرد در برابر دشمن از ابزار و امکانات بالاتر، انگیزه، روحیه و تصمیم قاطع انسانهای مؤمن و

۱۴. قرآن مجید، سوره انفال آیه ۶۵ و ۶۶.



سلحشور است. استراتژیستهای نظامی نیز به این امر اعتراف دارند که در جنگ، ابزار پیروز نمی شود، بلکه اراده انسانها است که پیروزی را می آفریند. از سخت افزار و نرم افزار قدرت، موضوع بالاتری وجود دارد که قرآن چنین بیان کرده است:

«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. إِذْ يَقُولُ لِلمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ. بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»<sup>۱۵</sup>

«خداوند شما را در «بدر» یاری کرد و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت؛ در حالی که شما، ناتوان بودید. پس، تقوای الهی را پیشه سازید، تا شکر نعمت او را به جا آورده باشید! در آن هنگام که به مؤمنان می گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می آیند، یاری کند؟! آری، اگر استقامت و تقوای پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه هایی با خود دارند، مدد خواهد کرد. ولی اینها را خداوند فقط بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده و گرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است!»

بنابراین اگر همه توان و امکان خودمان را در راه خداوند به کار گیریم، بی تردید فرشته های رحمت الهی، لطف و نصرت الهی هم شامل حال ما خواهد شد و به پیروزی دست می یابیم. نصرت خداوند فقط ویژه میدان جنگ نیست. هر نوع تلاش و جهاد و فداکاری و ایثار در کنارش هدایت خداوند و نصرت حق است. «والذین جاهدوا فإنا لنهدينهم سبلنا»<sup>۱۶</sup> «ولینصرن الله من ینصره ان الله لقیوی عزیز»<sup>۱۷</sup>. طبق آیات متعدد از قرآن مجید، در صورتی که مردم مؤمن و فداکار همه توان خود را به کار گیرند بی تردید نصرت و رحمت خداوند بر آنها نازل خواهد شد و آنها را بردشمنان پیروز خواهد ساخت. نمونه روشن آن صدر اسلام و پیروزی مسلمین بر هر دو ابرقدرت جهان است. لذا با تقویت اقتدار ملی و با اتکاء به خداوند در برابر این حرکت جهانی می توانیم منافع خودمان را حفظ کنیم و حتی جهانی شدن را تبدیل به فرصت نماییم. برای تقویت اقتدار ملی به ساخت قدرت در بخشهای مختلف به ویژه در زمینه فن آوری پیشرفته

۱۶. قرآن مجید، سوره عنکبوت آیه ۶۹.

۱۵. قرآن مجید، سوره آل عمران، آیات ۱۲۳ تا ۱۲۶.

۱۷. قرآن مجید، سوره حج، آیه ۴۰.

نیازمندیم. در جهت تعامل با جهان قبل از هر اقدامی، نیاز به توانمندشدن و ساخت قدرت در کشور داریم و الا هرگونه تعاملی به هضم و استحاله نظام، منجر خواهد شد.

### قدرت علمی

توان علمی کشور یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت است. خوشبختانه ما از لحاظ علمی یک کشور توانمندی هستیم. کسب امتیازات قابل ملاحظه در المپیادهایی که دانش‌آموزان ما شرکت می‌کنند نمونه‌ای از نمایش اقتدار علمی کشور ماست و نشان می‌دهد که استعداد جوانان و سیستم آموزشی کشور ما در سطح بسیار خوبی است. ما در این مسابقات با کشورهای بزرگ و صنعتی دنیا رقابت می‌کنیم.<sup>۱۸</sup> البته حضور موفق ما در المپیادها به تنهایی کافی نیست. امروزه معیارهایی برای توانمندی‌های علمی در دنیا وجود دارد که لازم است با برنامه‌ریزی دقیق طبق آن معیارها، در جایگاهی قرار بگیریم که در شأن نظام جمهوری اسلامی ایران و ملت بزرگ ایران است.

مؤسساتی در دنیا از ۴۰ سال پیش تحت عنوان «علم‌سنجی»،<sup>۱۹</sup> تأسیس شده‌اند. اینها مؤسساتی هستند که تولید علم را در کشورهای مختلف اندازه‌گیری می‌کنند و بر مبنای آن کشورهای مختلف را طبقه‌بندی می‌کنند. یکی از مشهورترین این مؤسسات پایگاه اطلاعاتی

.۱۸

رتبه‌های کسب شده در سال ۸۰ و سال ۸۱					
نام المپیاد	فیزیک	ریاضی	زیست‌شناسی	شیمی	کامپیوتر
۸۰	پنجم	هفدهم	ششم	دوم	یازدهم
۸۱	دوم	یازدهم	ششم	هفتم	هفتم

مدالهای کسب شده در سال ۸۰ و سال ۸۱					
نام المپیاد	فیزیک	ریاضی	زیست‌شناسی	شیمی	کامپیوتر
۸۰	۱ طلا، ۳ نقره و ۱ برنز	۲ نقره و ۴ برنز	۱ طلا، ۱ نقره و ۲ برنز	۲ طلا و ۲ نقره	۱ طلا، ۱ نقره و ۲ برنز
۸۱	۵ طلا	۴ نقره و ۲ برنز	۲ نقره و ۲ برنز	۱ طلا، ۲ نقره و ۱ برنز	۱ طلا، ۲ نقره و ۱ برنز

ضمناً در المپیاد فیزیک سال جاری نفر اول و دوم جهان در بخش تئوری و همچنین نفر سوم جهان در مجموع امتیازات از جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. شایان ذکر است تیم روباتیک باشگاه دانش‌پژوهان جوان در مسابقه روباتهای امدادگر سال ۲۰۰۲ که از طرف انجمن هوش مصنوعی آمریکا در شهر ادمونتون کانادا برگزار گردید، در بین ۱۲ تیم از مراکز علمی معتبر جهان به مقام اول دست یافت. (گزارش باشگاه دانش‌پژوهان جوان وزارت آموزش و پرورش)

ISI<sup>۲۰</sup> است که دارای پایگاههای SCI<sup>۲۱</sup>، SSCI<sup>۲۲</sup> و Humanities Art and<sup>۲۳</sup> می باشد که اولی مربوط به حوزه های علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، دامپزشکی و علوم پزشکی است و دومی در زمینه های علوم اجتماعی، جامعه شناسی، ارتباطات، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت است و سومی مربوط به هنر، ادبیات، تئاتر و هنرهای نمایشی، مذهب، تاریخ، معماری و موسیقی است. کشورهای جهان به سه طبقه تقسیم شده اند. کشورهای رده یک که تقریباً هشت کشور صنعتی جهان هستند. کشورهای رده دو که کشورهای تاریدف ۲۶ هستند و کشورهای رده سوم که بعد از این دور رده قرار دارند. البته در معیار «علم سنجی» از حدود ۱۹۰ کشور جهان، فقط ۱۰۰ کشور امروز مورد توجه و بررسی قرار دارند. بقیه کشورها در واقع به حدی نرسیده اند که اصلاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. ج.ا.ا. داخل این ۱۰۰ کشور است، اما در لایه سوم قرار دارد. یعنی نه داخل هشت کشور اول و نه در میان ۲۶ کشور لایه دوم قرار دارد بلکه در لایه سوم و در ردیف پنجاه و ششم قرار دارد.

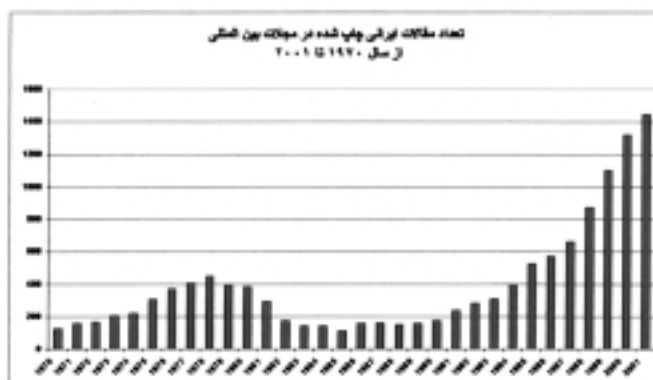
البته معیارهایی که برای این رده بندی در نظر گرفته اند یک معیارهای خاصی است. اولاً فقط در این سنجش فقط به مقالات علمی منتشر شده توجه می شود که چه تعداد مقاله علمی از نویسندگان یک کشور منتشر شده است؛ ثانیاً این مقاله علمی باید به زبان انگلیسی و یا تعدادی از زبانهای دیگر جهان باشد که متأسفانه زبان فارسی جزو آنها نیست و اگر به زبان دیگری باشد مورد توجه قرار نمی گیرد؛ ثالثاً، این مقاله ها باید حتماً در یک سری از مجلات خاصی که مورد قبول این مؤسسات است چاپ شده باشد و الا مورد بررسی قرار نمی گیرد. رابعاً معیار آنها میزان استناد به آن مقاله در مباحث علمی و مقالات تحقیقی دیگر است. در واقع ارجاعات به یک مقاله نشان دهنده نفوذ و تأثیر علمی آن مقاله است و ارزش یک مقاله علمی بر مبنای تأثیر در مقالات و نوشته های بعدی تعیین می شود. اساس کار علم سنجی بر مبنای بررسی چهار متغیر اساسی شامل مؤلفان، انتشارات علمی، مراجع و ارجاعات می باشد. علم سنجی با استفاده از این متغیرها با ترکیبی مناسب از شاخصهای مبتنی بر این متغیرها خصایص پژوهش علمی را نمایان می سازد.

اما در عین حال علی رغم همه این محدودیتها، ج.ا.ا. در طول دو سه سال اخیر یک جهش فوق العاده ای را داشته است و این نشان می دهد که اگر ما برنامه ریزی درستی داشته باشیم، می توانیم در یک جایگاهی که مناسب ج.ا.ا. است قرار بگیریم. این جایگاه برای افکار عمومی

جهان خیلی اهمیت دارد. یعنی اینکه ج.ا.ا. در تولید علم در هر رده‌ای قرار گیرد، به همان نسبت پرستیژ یا منزلت جمهوری اسلامی ایران در میان نخبگان دنیا و افکار عمومی جهان تعریف می‌شود. منزلت یا پرستیژ به عنوان یک اصل مهم و تأثیرگذار بر اقتدار ملی است. ما نمی‌توانیم بی‌توجه باشیم که نسبت به جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی جهان چگونه قضاوت می‌شود. این سخن، که ما به قضاوت دیگران کاری نداریم و قضاوت خودمان کافی است، سخن درستی نیست. همواره باید این مسئله به عنوان یک اصل مطرح باشد که ج.ا.ا. دارای چه منزلتی در جهان می‌باشد. مثلاً شرکت دانش‌آموزان ما در المپیادها منزلت علمی ایران را در چند سال اخیر بالا برده است. در مسئله «علم سنجی» هم اگر تلاش کنیم، منزلت جمهوری اسلامی ایران، بالا خواهد رفت.

برای اینکه روشن شود در چند سال اخیر، چه تحول مهمی در ایران اتفاق افتاده است، به این آمار توجه کنید. ما در سالهای قبل از انقلاب تا زمان پیروزی انقلاب تعداد مقالات علمی که طبق مؤسسات «علم سنجی» از ایران مورد قبول قرار گرفته است حداکثر حدود ۴۵۰ مقاله بوده است. البته بعد از پیروزی انقلاب و در سالهای جنگ خیلی تحول قابل ملاحظه‌ای نداشته‌ایم. پیداست که کشور در آن سالها با چه گرفتاریهایی مواجه بود. اما از سال ۱۹۹۵ یعنی در واقع بعد از جنگ تحمیلی و در دوران سازندگی که دانشگاهها نشاط خوبی پیدا کرده بودند یک تحول بسیار بزرگی اتفاق افتاد و در نمودارها با یک شیب تند تعداد مقالات علمی مورد قبول، افزایش پیدا کرد تا جایی که در سال ۲۰۰۱ یعنی دو سال قبل، مقالات پذیرفته شده بیش از ۱۴۰۰ مقاله علمی و در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱۶۰۰ مقاله رسیده است. ۲۴ با مقایسه این دو سال می‌بینید که با چه سرعتی این روند رشد داشته است. اگر ما بتوانیم همین پیشرفت را با همین

۲۴

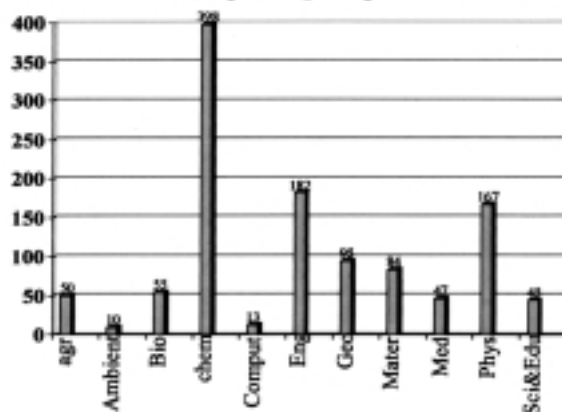


شیب حفظ کنیم در آینده نه چندان دور می توانیم جایگاه مناسب کشور را به دست آوریم. البته برای دستیابی به این هدف، برنامه ریزی جامع و دقیقی نیاز است تا اندیشمندان و محققانمان را تشویق کنیم به اینکه مقالات علمی بنویسند و این مقالات به زبان انگلیسی باشد و در مجلات معتبر مورد نظر هم چاپ شوند. اما روندی که در این چند سال اخیر اتفاق افتاده بسیار جالب توجه است و نشان می دهد که دانش پژوهان کشورمان دارای استعداد بالایی هستند و توان آن را دارند تا رشد سریعی را در این زمینه داشته باشند.

لازم است به نکته مهم دیگری نیز در این زمینه اشاره کنم و آن اینکه آمار نشان می دهد مقالات علمی ما که در سطح جهان مورد قبول قرار گرفته است ۵۰ درصد آن مربوط به علوم پایه بوده است، ۵ درصد آن مربوط به کشاورزی، ۳۰ درصد در زمینه فنی و مهندسی و ۱۱ درصد مربوط به پزشکی بوده است. متأسفانه آمار مربوط به علوم انسانی که مراکز علمی کشورمان منبع قابل ملاحظه ای برای علوم انسانی است، فقط ۳ درصد را نشان می دهد. این آمار نشان می دهد که در زمینه حقوق، مذهب، هنر، تاریخ و دهها رشته علمی دیگر در زمینه علوم انسانی یا مقاله علمی نوشته ایم، یا به زبان انگلیسی نبوده است و یا در مجلات علمی معتبر چاپ نشده است؛ که ما باید این جایگاه را عوض کنیم و کاری شود که در علوم انسانی بتوانیم جایگاه مناسب خودمان را به دست آوریم. البته در زمینه شیمی موقعیت استثنایی داشته ایم و از میان حدود ۱۲۰۰ مقاله پذیرفته شده از ایران در سال ۲۰۰۱ در پایگاههای اطلاعاتی، ۳۹۸ مقاله مربوط به شیمی می باشد که قاعدتاً پرسنل علمی، تسهیلات آزمایشگاهی و تسهیلات اداری در بروز چنین پدیده ای نقش داشته است.<sup>۲۵</sup>

.۲۵

تعداد مقالات رشته های مختلف در سال ۲۰۰۱



## قدرت تکنولوژیکی

مؤلفه مهم دیگر در ساخت قدرت، فن آوری پیشرفته است. امروز قدرت تکنولوژیکی، در بحث اقتدار حرف اول را می زند. ۲۶ خود آمریکاییها در استراتژی ۲۵ ساله خود، اصل را بر تفوق در فن آوری پیشرفته گذاشته اند. ج.ا.ا. خوشبختانه در این زمینه دارای توانمندی قابل ملاحظه ای است. در بخش فن آوری اطلاعات (I.T.) و در بخش فن آوری اطلاعات و ارتباطات (I.C.T.) به ویژه در زمینه نرم افزار کامپیوتر ظرفیت لازم برای پیشرفت را داریم و اگر در این بخش، درست برنامه ریزی شود و همت لازم گماشته شود، ما می توانیم در ردیف کشورهای پیشرفته جهان در زمینه فن آوری اطلاعات باشیم.

یکی از بخشهای مهم در فن آوری پیشرفته، فن آوری هسته ای است. امروزه دانش و تکنولوژی هسته ای در جهان نقش ویژه ای دارد. تأثیر تکنولوژی هسته ای در گسترش دانش بشری، تسلط بر طبیعت، تأمین رفاه و پیشرفت زندگی بشر غیر قابل تردید است. استفاده از انرژی حاصل از شکافت هسته اورانیوم در راکتورهای اتمی جهت تولید برق و یا شیرین کردن آب دریاها و همچنین استفاده از انواع رادیوایزوتوپها در پزشکی، صنعت و کشاورزی، مثالهایی از گسترش این دانش در زندگی بشر می باشند.

اولین ضرورت و نیازمندی ایران در توسعه هسته ای، تولید برق هسته ای می باشد. طی سه دهه گذشته با توجه به روند رو به رشد توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران، استراتژی بهره برداری از منابع فسیلی متأثر از دو عامل محدودکننده است. از یک طرف ارتقاء سطح زندگی و برنامه های بهبود شاخص های اقتصادی نیازمند تأمین روند تقاضای صعودی انرژی در کلیه بخشهای داخلی می باشد و از طرفی، اقتصاد ملی وابسته به درآمد نفتی است که رهایی از این دو عامل متضاد، مستلزم ایجاد یک استراتژی درازمدت و تجدید نظر در روند استفاده بی رویه از منابع فسیلی در کشور است. مصرف انرژی در ۲۵ سال گذشته در کشور از ۱۸۰/۹ میلیون بشکه معادل نفت خام متوسط، با رشد سالانه ۵/۸ درصد به ۶۶۱۷ میلیون بشکه معادل نفت افزایش یافته است.

در صورتی که ج.ا.ا. با داشتن منابع عظیم فسیلی نفت و گاز در پی ارزان ترین راه برای تأمین انرژی خود باشد، پیامدهای گوناگونی دارد: اول آنکه این منابع محدود بوده و متعلق به

26. Viktor Mayer - Schoenberger and Gernot Brodnig, "Information Power: International Affairs in the Cyber Age," Kennedy school Faculty Reseach Working Paper Series RWPOI - 044, November 2001, <http://papers.ssrn.com/so13/papers.cfm?abstract-id=292949>

نسلهای آتی کشور نیز می باشد، دوم آنکه استفاده از این منابع در صنایع تبدیلی نظیر پتروشیمی به مراتب ارزش افزوده بیشتری برای کشور در پی دارد. سوم آنکه مصرف این منابع در داخل کشور به عنوان سوخت، به شدت ارز حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی را تحت الشعاع قرار می دهد. مجموعه دلایل مذکور اتکاء سیستم عرضه انرژی کشور به سوختهای فسیلی را غیر منطقی ساخته و استفاده کشور از تکنولوژیهای جدید از جمله تکنولوژی هسته ای را در مقام مقایسه با سوختهای فسیلی، رقابتی می سازد. استفاده و انتقال تکنولوژیهای جدید از جمله فن آوری تولید برق توسط نیروگاههای هسته ای در راستای سیاست ارتقای بهره وری تولید حاملهای انرژی در کشور می باشد.

ضمناً اقدام به احداث نیروگاههای هسته ای به ایران منحصر نمی باشد، در کشورهای دیگری هم که دارای ذخایر وسیع نفت و گاز هستند، جهت صیانت از منابع انرژی به بهره برداری وسیعی از نیروگاههای هسته ای اقدام نموده اند. از جمله آمریکا که علی رغم داشتن منابع عظیم نفت نسبت به ساخت ۱۰۴ واحد نیروگاه هسته ای اقدام نموده است.<sup>۲۷</sup> روسیه نیز که از ذخایر نفتی عظیم برخوردار بوده و از لحاظ منابع گاز مقام اول را در جهان داراست در حال حاضر با فعالیت ۲۹ نیروگاه اتمی، حدود ۱۳ درصد از برق خود را از نیروگاههای هسته ای تأمین می نماید. انگلستان نیز که حوزه نفتی دریای شمال (برنت) را در اختیار دارد دارای ۳۵ واحد نیروگاه هسته ای است. از طرف دیگر دولت ایران در زمان رژیم گذشته با کمک کشورهای غربی، ایجاد ۲۳ نیروگاه اتمی با ظرفیت حدود ۲۳۰۰۰ مگاوات را در برنامه خود قرار داد و از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۷ ایجاد ۸ نیروگاه اتمی را برنامه ریزی نمود و قرار داد ساخت یا تفاهمنامه آنها بین سازمان انرژی اتمی ایران و پیمانکاران خارجی به امضاء رساند.<sup>۲۸</sup> لذا

27. Paul Joskow, "United States Energy Policy During the 1990s," **Current History**, March 2002, p.119.

۲۸. (۱) نیروگاه اتمی بوشهر ۲،۱: قرارداد ساخت این دو واحد هر یک با قدرت حدود ۱۲۹۰ مگاوات با شرکت آلمانی KWU منعقد گردید. در آبانماه ۱۳۵۳ نخستین مقاله نامه خرید و احداث دو واحد نیروگاه اتمی فوق امضاء شد و در فروردین ماه ۱۳۵۴ اولین کشتی حامل مواد و مصالح نیروگاهی، محموله خود را در بوشهر پیاده کرد. مکان این نیروگاه در منطقه هلیله واقع در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر بوشهر می باشد. از زمان انعقاد تا هنگام تعلیق قرارداد در ۱۳۵۸، کارهای ساختمانی واحد یک این نیروگاه حدود ۸۵ درصد و کارهای برقی و مکانیکی آن حدود ۶۰ درصد انجام شده بود. (۲) نیروگاه اتمی کارون III و IV: مذاکرات ساخت این دو واحد هر یک به قدرت حدود ۹۵۰ مگاوات با شرکت فراماتوم فرانسوی انجام شده بود و مقاله نامه های این واحدها با شرکت مذکور به امضاء رسید. مکان نیروگاه در نزدیکی دارخوین در شمال خرمشهر تعیین شده بود که تا قبل از انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیل مراحل آماده سازی محل استقرار راکتورهای فرانسوی در حال انجام بوده است. (۳) نیروگاه اتمی اصفهان VII و VIII: قولنامه ساخت این دو واحد نیروگاهی هر یک به قدرت حدود ۱۲۹۰ مگاوات با شرکت KWU آلمان امضاء گردیده بود. (۴) نیروگاه اتمی ساوه VII و IX: قولنامه ساخت این دو واحد نیروگاهی هر یک به قدرت حدود ۱۲۹۰ مگاوات با شرکت KWU آلمان امضاء شده بود (منبع: گزارش سازمان انرژی اتمی ایران. اسفند ۱۳۸۱).

استدلال رسانه‌های غربی به ویژه آمریکایی مبنی بر اینکه با وجود ذخایر سوخته‌های فسیلی در ایران نیازی به احداث نیروگاه هسته‌ای نیست، سخنی بی پایه و برخورداردی دوگانه با مسئله می باشد.

در زمینه نیروگاه‌های هسته‌ای، مسئله مهم خودکفایی در زمینه تولید سوخت هسته‌ای است. تصمیم به ساخت انواع نیروگاه‌های اتمی که تماماً تحت نظارت آژانس انجام خواهد شد ما را ملزم می سازد که در زمینه تولید سوخت هسته‌ای فعالیت نماییم. با توجه به اینکه ایران دارای معادن غنی اورانیوم است، یکی از مسائل مهم غنی سازی اورانیوم است.<sup>۲۹</sup> خوشبختانه ج.ا.ا. در سال جاری توانست در این زمینه قدم‌های مهمی بردارد. فن آوری غنی سازی یک فن آوری بسیار پیشرفته‌ای است که ج.ا.ا. به این فن آوری در زمینه صلح آمیز دست یافته است که در دهه فجر امسال از طرف مقامات ج.ا.ا. رسماً اعلام شد. تکنولوژی غنی سازی بسیار پیچیده است و این امر نشان می دهد که ج.ا.ا. می تواند جایگاه مناسبی از لحاظ تکنولوژیکی در جهان، داشته باشد.

در واقع اورانیوم طبیعی دارای دو نوع ایزوتوپ است، اورانیوم ۲۳۸ و اورانیوم ۲۳۵. در اورانیوم طبیعی، ۹۹٪ آن ۲۳۸ است و فقط کمتر از ۱٪ آن ۲۳۵ می باشد. آنچه بسیار ارزشمند است اورانیوم ۲۳۵ می باشد که مقدار آن در اورانیوم طبیعی ۰/۷۲ درصد است. برای جداسازی اورانیوم ۲۳۵ از ۲۳۸ نیاز به دانش و فن آوری بسیار پیشرفته‌ای می باشد و معمولاً راه‌های مختلفی برای این جداسازی دنبال می شود. یکی از راه‌ها، معروف به دیفیوژن است.<sup>۳۰</sup> طریق دیگر، معروف به سانتریفیوژ است.<sup>۳۱</sup> راه جدید هم از طریق لیزر است.<sup>۳۲</sup> البته ج.ا.ا. نسبت به غنی سازی از طریق دوم یعنی سانتریفیوژ سرمایه گذاری نموده است.

در سال‌های اخیر به بخش فن آوری هسته‌ای توجه بیشتری شد مخصوصاً در یکی، دو سال اخیر که همت فراوانی گماشته شد و سرمایه گذاری‌های لازم انجام گرفت تا بتوانیم به فن آوری غنی سازی اورانیوم که بسیار حائز اهمیت است، دست یابیم. البته ج.ا.ا. طبق استراتژی بدون خود دنبال سلاح‌های کشتار جمعی نیست. فن آوری هسته‌ای هم به مفهوم دستیابی به بمب اتم نیست. این فن آوری در زمینه‌های صلح آمیز است. فعالیتی که امروز ج.ا.ا. انجام می دهد می تواند در بخش نیروگاه برق هسته‌ای، از لحاظ سوخت ما را خودکفا کند. یعنی از معدن اورانیوم که ما دارای معادن غنی اورانیوم هستیم، اورانیوم را استخراج و با اعمال فرایندهای

29. Enrichment Techniques

30. Diffusion

31. Centrifug

32. Laser



مختلف شیمیایی و فیزیکی به کیک زرد تبدیل کنیم. سپس کیک زرد را به هگزافلوراید اورانیوم، اورانیوم فلزی و اکسید اورانیوم تبدیل کنیم. در تأسیسات عظیم اصفهان که به زودی شروع به کار خواهد کرد و اعلام شده که در سال آینده این تأسیسات عظیم افتتاح خواهد شد، UF6 که خوراک اصلی تأسیسات عظیم دیگری است که در نطنز کاشان می باشد، به دست می آید. UF6 در تأسیسات نطنز کاشان غنی سازی و تبدیل به اورانیومی می شود که می تواند مصرف سوخت برای نیروگاه اتمی باشد. تمامی تأسیسات فوق به اطلاع آژانس بین المللی انرژی اتمی رسیده و با نظارت آن سازمان می باشد. خیلی مهم است که ج.ا.ا. توانسته ظرف این مدت کوتاه به این فن آوری پیچیده و مهم دست یابد. این مسئله نشان می دهد که ما از لحاظ تکنولوژیکی، ظرفیت لازم را داریم. آنچه مورد نیاز است برنامه ریزی صحیح، ایجاد امکانات و تلاش و جهاد است.

### قدرت نظامی

هر دولتی برای مقابله با تهدید خارجی و نیز آسیب پذیری داخلی نیازمند توانایی نظامی است و میزان تسلیحات و تجهیزات نظامی در این زمینه اهمیت بالایی دارد. البته این مؤلفه ارتباط تنگاتنگی با مؤلفه های دیگر دارد. مثلاً شیوه تأمین امکانات نظامی و تدارک نوع و میزان ابزارهای بازدارنده بستگی به میزان قدرت اقتصادی کشور دارد. همچنان که حراست از توانمندیهای اقتصادی مستلزم داشتن ابزارهای دفاعی مناسبی می باشد. اگر عنصر سازنده و حیاتی امنیت در عصر حاضر «اقتصاد پویا» است، تأمین امنیت همین تأسیسات اقتصادی هم مستلزم سیاستهای خاصی در استراتژی کلان امنیتی می باشد.

منطقه خاورمیانه که ایران هم یکی از مهم ترین کشورهای آن است، تحت تأثیر یک موج منطقه ای، خواه ناخواه در مدار مسابقه ای قرار گرفته است که عنصر اساسی آن تأمین توان نظامی با توجه به سایر مؤلفه های تأمین امنیت از قبیل تواناسازی اقتصاد، مشروعیت سیاسی و برخورداری از منابع طبیعی حیاتی می باشد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیت ژئواستراتژیک نمی تواند نسبت به محیط بین المللی و معادلات قدرت در منطقه و جهان بی تفاوت باشد. برای اینکه ایران ذاتاً کشوری بین المللی است، بدون توجه به ماهیت نظام سیاسی حاکم بر آن، باید در سطح بین المللی و منطقه ای تحرک داشته باشد. چون سیاستها و اقدامات ایران به لحاظ اعتبار ژئواستراتژیک خود، آثار بین المللی دارد. همچنین در شرایط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی،

ایران تبدیل به سرچشمه‌ای برای نشر اسلام مبارز، اسلام حکومتی و فقه سیاسی گردید که برای قدرتهای بزرگ استکباری و حکومتهای استبدادی خطرآفرین شد و پیام فرهنگی ایران در سراسر جهان اسلام نشر یافت و بدین جهت ایران کانون توجه جهانیان گردید.

استراتژی‌ای که بتواند همکاری سازنده‌ای با جهان داشته باشد و امنیت ملی، استقلال سیاسی و فرهنگی، زمینه‌های رشد اقتصادی و تمامیت ارضی کشور را تأمین کند بزرگ‌ترین چالش نظری و عملی سیاستمداران و اندیشمندان ایرانی خواهد بود. در صورت عدم سامان‌دهی این معضل، فرایند مسابقه تسلیحاتی، تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچنان خطرآفرین خواهد بود. شاید مهم‌ترین محوری که دستگاه سیاستگذاری ایران باید روی آن متمرکز و حساس باشد، اندیشه ائتلاف و همکاری امنیتی با کشورهای منطقه است. در سایه این همکاری می‌توان اعتمادسازی و در نتیجه مقررات کنترل تسلیحاتی را مورد توجه قرار داد. لیکن از آنجا که رسیدن بدین مرحله بسیار مشکل و دراز مدت می‌نماید، توان افزایشی نظامی همچنان یک ضرورت گریزناپذیر شده است.

از طرف دیگر، متأسفانه در جهان امروز همانند گذشته دور، تنها قدرتی که به راحتی قابل ترجمه به قدرت سیاسی و حقوقی و بین‌المللی است، قدرت نظامی است. برخلاف همه شعارها و سخنان فریبنده در جهان معاصر، قدرت تأثیرگذار اصلی در صحنه سیاسی نه اقتصاد است و نه فرهنگ بلکه اصلی‌ترین قدرت همچنان قدرت نظامی است. دلیل روشن آن، یک‌جانبه‌گرایی آمریکاست. امروزه از لحاظ فرهنگی، سابقه تمدنی و حتی اقتصادی برخی از کشورها از آمریکا جلوترند. گرچه از لحاظ قدرت توان تولید علم و پیشرفت تکنولوژیکی آمریکا هنوز بر سایر کشورها سبقت دارد ولی نه علم و نه تکنولوژی سریعاً قابل ترجمه به تفوق سیاسی و بین‌المللی نیست. قدرتی که به راحتی موجب توفیق جهانی می‌شود قدرت نظامی و تکنولوژی نظامی است.<sup>۳۳</sup> اینکه آمریکا بدون اعتنا به دیگران و سازمانهای بین‌المللی در صحنه جهانی هر تصمیمی را اتخاذ و عمل می‌کند و اعتنایی به مقررات و قواعد بین‌المللی و حتی به افکار عمومی جهان ندارد دلیلش آن است که آمریکا قدرت اول نظامی جهان است. اروپا و روسیه حداقل چند دهه از لحاظ تکنولوژی نظامی و قدرت نظامی از آمریکا عقب‌ترند.

33. David Lake, "Beyond Anarchy: The Importance of Security Institutions," *International Security*, Vol. 26, No. 1, 2001, pp. 129-160.

ساخت قدرت نظامی و تأمین بنیه قوی دفاعی نه تنها تأثیرگذار در امنیت ملی و مسائل منطقه‌ای است بلکه در مسائل جهانی نیز بسیار تأثیرگذار است. برای دستیابی به قدرت نظامی تأثیرگذار و بازدارنده حداقل باید به دو موضوع مهم و اساسی تکیه نماییم. مسئله اول تکنولوژی نظامی است، مثلاً دانش الکترونیک نقش بسیار اساسی در قدرت نظامی دارد. ما نیازمند به دانش الکترونیک هم برای آفند و هم برای پدافند، هستیم. در واقع الکترونیک و جنگ الکترونیک یک پایه مهم برای تکنولوژی نظامی است. اگر کشوری در این زمینه به فن آوری پیشرفته دست یابد می‌تواند انواع هواپیماها، موشکها و بمبهای هدایت شونده دشمن را منحرف نماید و از طرف دیگر می‌تواند انواع تجهیزات هدایت شونده نظامی را بسازد. یا مثلاً دانش فضایی که در شرایط فعلی نقش مؤثری در تکنولوژی نظامی دارد. در مجموع فن آوری پیشرفته دو منظوره که بتوان از آنها در تجهیزات مدرن نظامی بهره‌برداری کرد یک اصل در ساخت قدرت نظامی است.

مسئله دوم بسیج قدرتمند نیروی مردمی در صحنه دفاع از کشور است. البته این مسئله حتی از مسئله اول هم مهم‌تر است. اگر یک ملت، آموزش دیده، آماده فداکاری، با انگیزه و با ایمان باشد هیچ قدرتی نمی‌تواند آن ملت را شکست دهد. همان موضوع ارتش بیست میلیون که امام بزرگوار بر آن تکیه داشت. اگر در دفاع مقدس ۸ ساله توانستیم دشمن تاندان مسلح عراق که همه کشورهای صنعتی شرق و غرب از او حمایت می‌کردند را از کشور بیرون برانیم و بر او پیروز شویم در سایه بسیج و حضور مردم در صحنه جنگ بود. امروز هم اگر در کشور، ۲۰ میلیون انسان آماده جهاد و فداکاری داشته باشیم بی‌تردید بزرگ‌ترین قدرت نظامی منطقه را در اختیار داریم و هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملت را به زانو درآورد.

امروزه ج.ا.ا. از لحاظ قدرت نظامی، دارای قدرت قابل ملاحظه و بازدارنده‌ای است به ویژه آنکه دارای قدرت بسیج چند میلیونی آموزش دیده و آماده می‌باشد. ایران دارای یک ارتش قوی و سپاه قدرتمند است که دارای تجربه ۸ سال دفاع و جنگ هستند و بزرگ‌ترین قدرت نظامی منطقه را تشکیل می‌دهند. از لحاظ صنایع نظامی هم کشوری پیشرفته هستیم و اقلام فراوانی را امروز به کشورهای دیگر صادر می‌کنیم. در زمینه ساخت انواع موشک، نفر بر زرهی و حتی تانک، هلی کوپتر و هواپیما و ناوچه، پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای داشته‌ایم و در بسیاری از نیازمندیهای دفاعی خودکفا و بی‌نیاز از دیگران می‌باشیم. از لحاظ تعمیر و نگهداری تجهیزات پیشرفته نیز جایگاه قابل ملاحظه‌ای داریم. ما توانستیم هواپیمای پیشرفته‌ای مثل

اف ۱۴ را که هیچ بازاری نمی توانست از لحاظ قطعات بجا کمک کند و از جانب آمریکا هم تحریم کامل بودیم، به خوبی نگهداری کنیم و بعد از حدود ۲۵ سال بعد از پیروزی انقلاب، این نوع هواپیما در کشور ما هنوز به خوبی مأموریت خود را انجام می دهد که مایه اعجاب کشورهای پیشرفته و حتی آمریکاست.

### قدرت اقتصادی

مؤلفه مهم دیگر در ساخت قدرت، توان اقتصادی است. نسبت به سنجش توان اقتصادی یک کشور، معیار اصلی اثرگذاری اقتصاد آن کشور در اقتصاد جهان است. در بخش اقتصاد یا باید حجم تجاری یک کشور در حدی باشد که در اقتصاد دنیا تأثیرگذار باشد یعنی حجم واردات یا حجم صادرات در حدی باشد که تأثیرگذار باشد؛ که در این زمینه ما هنوز یک رشد قابل توجهی نداریم. یعنی ج.ا.ا. با اینکه از لحاظ وسعت، شانزدهمین کشور جهان است و از لحاظ جمعیت بیست و یکمین کشور دنیاست، ولی از لحاظ اقتصادی در بخش صادرات و واردات دارای رقم قابل ملاحظه نیست. عمدتاً صادرات و واردات در جهان در اختیار ۸ کشور صنعتی دنیا است. یعنی ۴/۸ درصد صادرات کل جهان متعلق به ۸ کشور صنعتی است و بقیه، مربوط به سایر کشورهاست. ۳۴ در زمینه واردات هم ۵۲ درصد واردات جهان مربوط به ۸ کشور صنعتی است و بقیه، مربوط به سایر کشورهای جهان است. ۳۵ وضع در تولید ناخالص ملی نیز

۳۴. در سال ۲۰۰۱ صادرات کل جهان ۶۱۲۱ میلیارد دلار بوده است. کشورهایی که بیشترین سهم را داشته اند به شرح زیر است:

آمریکا، ۷۳۰ میلیارد دلار (۱۱/۹٪)؛

آلمان، ۵۷۱ میلیارد دلار (۹/۳٪)؛

ژاپن، ۴۰۳ میلیارد دلار (۶/۶٪)؛

فرانسه، ۲۹۵ میلیارد دلار (۴/۸٪)؛

جمع ۸ کشور صنعتی هم ۲۹۸۶ میلیارد دلار (۴/۸٪) بوده است.

سهم ایران در این دوره، ۰/۴ درصد در تجارت جهانی بوده است (۲۳/۹ میلیارد دلار). در صورتی که صادرات کشور کمی بیش از ۶۱ میلیارد دلار بود سهم صادرات مادر تجارت جهانی ۱٪ بود.

۳۵. در سال ۲۰۰۱ واردات کل جهان ۶۳۲۴ میلیارد دلار بوده است. کشورهایی که بیشترین سهم را داشته اند بشرح زیر است:

آمریکا، ۱۱۷۹ میلیارد دلار (۱۸/۶٪)؛

آلمان، ۴۸۶ میلیارد دلار (۷/۷٪)؛

ژاپن، ۳۴۹ میلیارد دلار (۵/۵٪)؛

فرانسه، ۲۹۸ میلیارد دلار (۴/۷٪)؛

مجموعه واردات ۸ کشور صنعتی ۳۲۸۹ میلیارد دلار (۵۲٪) بوده است.

سهم ایران در این دوره ۰/۳ درصد (۱۷۱ میلیارد دلار) بوده است که اگر واردات به بیش از ۶۳ میلیارد دلار بود سهم واردات مادر تجارت جهانی ۱٪ بود.

چنین است. ۳۶ متأسفانه سهم صادرات کشورهای در حال توسعه و سهم تجاری آنها اصولاً از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ مرتب روبه کاهش بوده است و احتمالاً در سالهای آتی هم روبه کاهش بیشتری خواهد بود. این موارد مشکلات مربوط به کل جهان در حال توسعه است که باید با مشارکت همه آنها بتوانیم این جایگاه را تغییر دهیم. معیار دیگر جذب سرمایه خارجی، یا داشتن سهم قابل ملاحظه در شرکتهای بزرگ چند ملیتی و یا مرکزیت مالی و بانکی است که متأسفانه در این امور نیز جایگاه تأثیرگذاری نداریم. پس از این دیدگاهها، ما نمی توانیم یک موقعیت تأثیرگذار قابل ملاحظه ای در جهان داشته باشیم، تا از آن به قدرت اقتصادی و یا اقتدار اقتصادی تعبیر کنیم.

معیار دیگر، محصول استراتژیک یک کشور است که کشوری می تواند مولد آن محصولات باشد، یعنی مصنوعات ساخته دست بشر، در این بخش هم ما یک جایگاه قابل ذکری نمی توانیم در سطح جهان داشته باشیم به طوری که مثلاً در صنعت خاصی، کشورهای دیگر به ج.ا.ا. نیازمند باشند. اما از لحاظ منابع طبیعی، ما جایگاه مهم و استراتژیک داریم و آن موضوع ذخایر نفت و گاز و صدور آنها است. البته لازم است بر این نکته تأکید کنم که برای حفظ این اقتدار باید جایگاه خودمان را در صادرات نفت و گاز و در بازار، حداقل در سطحی که فعلاً قرار داریم حفظ کنیم. شش کشور در دنیا، به عنوان صادرکنندگان بزرگ و اصلی نفت هستند؛ عربستان، ایران، ونزوئلا، کویت، امارات و عراق که در واقع همین شش کشور صادرکننده عمده نفت هستند و می توانیم آنها را ابرنفت بنامیم. صادرات نفت در دنیا بسیار تأثیرگذار و مهم است و نقش کشور را به نقش استراتژیک در بخش اقتصاد ارتقاء می دهد. آمریکاییها ۲۵٪ تا ۳۰٪ انرژی جهان را مصرف می کنند این مسئله نشان می دهد که چقدر آمریکا به انرژی و به ویژه نفت منطقه نیاز دارد. ۳۷ قسمت

۳۶. وضع تولید ناخالص داخلی در جهان در سال ۲۰۰۱ به ترتیب به شرح زیر بوده است:

آمریکا، ۱۰۰۸۲ میلیارد دلار؛

آلمان، ۱۸۵۵ میلیارد دلار؛

ژاپن، ۴۱۴۱ میلیارد دلار؛

فرانسه، ۱۳۱۰ میلیارد دلار؛

مجموعه ۸ کشور صنعتی هم ۲۰۹۹۰ میلیارد دلار بوده است.

تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۱ مجموعاً ۱۰۶ میلیارد دلار بوده است.

۳۷. طبق آمار ثبت شده در نشریات B.P. مصرف انرژی آمریکا در سال ۲۰۰۱ حدود ۲۵٪ انرژی جهان بوده است. مصرف انرژی آمریکا برابر ۲۲۳۷/۳ میلیون تن معادل نفت است که از این میزان ۸۹۵/۶ میلیون تن به نفت، ۵۵۴/۶ میلیون تن به گاز، ۵۵۵/۷ میلیون تن به ذغال سنگ، ۱۸۳/۲ میلیون تن به انرژی هسته ای و ۴۸/۳ میلیون تن هم به انرژی آب (Hydro).

برخی معتقدند آمریکا در حالی که ۶ درصد جمعیت دنیا را دارد، ۳۰٪ انرژی دنیا را مصرف می کند:

اعظم نفت صادراتی کشورهای صادرکننده به هشت کشور صنعتی صادر می‌شود. جایگاهی که ج.ا.ا در این زمینه دارد بسیار بااهمیت است. یعنی اگر عربستان در منطقه ما از لحاظ صادرات نفت اول است؛ ج.ا.ا از لحاظ نفت و گاز در رده دوم یا سوم قرار دارد که باید بتوانیم این جایگاه را در آینده نیز حفظ کنیم.

برای این هدف باید در بخش اکتشاف، تولید و صادرات نفت بتوانیم جایگاه خودمان را حفظ کنیم. این استراتژی بسیار بااهمیت است. که جایگاه و شأنی که ج.ا.ا امروز از لحاظ اقتصادی در جهان دارا می‌باشد، برای حفظ اقتدار ملی، این موقعیت را حفظ کنیم. مثلاً باید محاسبه کنیم که در سال ۲۰۲۰ چه مقدار تولید نفت باید داشته باشیم و چه مقدار صادرات نفت، تا بتوانیم در بخش انرژی دنیا تأثیرگذار باشیم و تصمیم ما تأثیرگذار برای منطقه و جهان باشد. برای روشن شدن بهتر جایگاه ایران در میان کشورهای اصلی صادرکننده نفت در سال ۱۹۹۹ به جدول زیر توجه فرمایید:

#### جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۹

رتبه	تولید نفت خام میلیون بشکه در روز	صادرات میلیون بشکه در روز	درآمد نفتی میلیارد دلار	ذخائر نفت خام میلیارد بشکه
اول	عربستان ۷/۶	عربستان ۷/۰	عربستان ۴۴/۲۹	عربستان ۲۶۲
دوم	ایران ۳/۴	ونزوئلا ۲/۸	ونزوئلا ۱۶/۵	عراق ۱۱۳
سوم	ونزوئلا ۲/۸	ایران ۲/۷	ایران ۱۶/۱	امارات ۹۸
چهارم	عراق ۲/۷	امارات ۲/۳	امارات ۱۵/۰	کویت ۹۷
پنجم	امارات ۲/۱	عراق ۲/۱	عراق ۱۲/۱	ایران ۹۳
ششم	کویت ۱/۹	کویت ۱/۷	کویت ۱۷/۰	ونزوئلا ۷۵

بنابراین برای ارتقاء جایگاه ج.ا.ا در زمینه نفت و گاز و یا حداقل حفظ جایگاه فعلی، نیاز به یک برنامه ریزی جامع است. برنامه در جهت اکتشاف منابع جدید نفت و گاز، صرفه جویی در مصرف انرژی فسیلی در کشور، جایگزین نمودن انرژیهای نوین بجای انرژی فسیلی و صیانت از منابع موجود نفت و گاز از جمله این برنامه می‌باشد. البته اینکه نقطه قدرت ما در بخش اقتصاد مربوط به منابع زیرزمینی خداداد است، افتخاری برای ما نیست. ما می‌توانیم در

بخشهای دیگر اقتصادی جایگاه مناسبی را کسب نماییم. در واقع اگر ما بتوانیم در چهار زمینه خصوصی سازی، امنیت سرمایه گذاری، حضور در بازار جهانی و جذب سرمایه خارجی، قدمهای جدی برداریم که کار بسیار سخت و پیچیده ای نیست، می توانیم جایگاه ویژه ای در بخش اقتصاد در سطح منطقه و حتی در سطح جهان پیدا کنیم.

### قدرت فرهنگی

قدرت فرهنگی در واقع زیربنای همه قدرتها، حتی قدرت اقتصادی است. ما در زمینه قدرت فرهنگی متکی به دو منبع عظیم خداداد هستیم: منبع اول اسلام و فرهنگ درخشان و غنی و گسترده و حتی بی انتهای آن و منبع دوم: فرهنگ ملی ایران با غنای بسیار زیاد که ریشه در تجربه و ذوق و عرفان و دانش هزاران سال مردم این سرزمین دارد. گرچه در قرون اخیر این دو فرهنگ آن چنان به هم آمیخته شده که جدا نمودن آنها نه امکان پذیر است و نه مفید خواهد بود. ما به مسلمان بودن خودمان افتخار می کنیم و به ایرانی بودن خود نیز می بالیم. هنر ما باید در این باشد که در کنار این دو منبع عظیم، از دستاوردهای علمی و فرهنگی دنیای امروز استفاده کنیم و با پیوستن این سه رودخانه بزرگ و موج، شاهد دریایی عظیم باشیم که هم خود از آن بهره جوییم و هم دیگران از آن استفاده نمایند. خطرناک ترین مسئله رو در روی قرارداد این سه جریان است. ما نه از تجربه و فرهنگ ایرانی، نه از فرهنگ ژرف اسلام و نه از تجربه و دستاوردهای دنیای جدید مستغنی هستیم. متأسفانه در این موضوع، بسیاری از افراد به بیراهه رفته اند و بسیاری توان و انرژی را در مسیر غلط مصروف داشته اند. ما باید به ملیت و ایرانی بودن خود افتخار کنیم، این نه خجالت دارد و نه منافاتی با موازین اسلام دارد. از اینکه به دانش و تجربه دنیای غرب هم نیاز داریم، نه خجالتی دارد و نه تضادی با ارزشها و اهداف ما دارد. به مسلمان بودن و تقید به احکام اسلام هم افتخار می کنیم و بر اجرای احکام دینی خود نیز اصرار می ورزیم.

در زمینه فرهنگی سه حوزه بزرگ در اختیار ماست، اول حوزه تمدن ایرانی که از قفقاز و دریای سیاه گرفته تا آسیای مرکزی، شبه قاره هند و بخشی از چین جزو این حوزه تمدنی است و ظرفیت فراوانی برای فعالیت و همگرایی فرهنگی وجود دارد. دوم حوزه تمدن اسلامی که از اقیانوس اطلس و مغرب عربی گرفته تا چین و اقیانوس آرام ادامه دارد و شامل جمعیتی حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر است و بالاخره حوزه تعامل با جهان امروز که سراسر

دنیای مدرن و صنعتی و کمتر توسعه یافته را شامل می شود. باید از این پتانسیل و ظرفیتهای فراوان استفاده کنیم و جهانی شدن را به یک فرصت برای خود تبدیل نماییم.

اگر ما به عنوان مسلمان نمی خواهیم در کام جهانی شدن بلعیده شویم باید پیاموزیم که چگونه با آن ماهرانه برخورد نماییم. در این راستا، نخستین کاری که کشورهای اسلامی باید انجام دهند، یادگیری همه چیز درباره فن آوری اطلاعات است که رابطه تعاملی تنگاتنگی با جهانی شدن دارد. ما باید نرم افزارهای پایه ای را توسعه دهیم، که دست ما را برای توسعه سایر نرم افزارها باز می کند. در واقع ما باید اینترنت یا اینترنت (شبکه محلی) خاص خودمان را داشته باشیم. چه دلیلی دارد که در همه موارد صرفاً بخواهیم از اینترنت غربیها استفاده کنیم شاید توسعه اینترنت یا اینترنت اسلامی زمان زیادی بخواهد، اما آنچه که بخشی از مردم می توانند انجام دهند، قطعاً از عهده دیگران نیز ساخته است و باید بتوانیم این کار را همانند و یا حتی بهتر از دیگران، انجام دهیم. فراتر از نرم افزارها باید سخت افزارهای خاص خودمان را نیز توسعه دهیم. ما باید صنایع ساخت و تولید خودمان را توسعه دهیم تا از وابستگی خود به کشورهای پیشرفته بکاهیم. در حقیقت، امروز باید دست به انقلاب صنعتی بزنیم، همان انقلابی که قبلاً یک بار آن را از دست داده ایم، ظرفیت ساخت و تولیدی ما، سرانجام باید به پای کشورهای توسعه یافته برسد و شانه به شانه آنها حرکت کنیم، یا دست کم نباید به اندازه امروز از آنها عقب باشیم.

وظیفه دینی ما حکم می کند که دست روی دست نگذاریم و کاری نکنیم. جهانی شدن تنها به رفاه مادی مربوط نیست، به ارزشها نیز مربوط است. ما نابودی اخلاق را در دنیای مادی به چشم خود می بینیم. امروزه به نام حقوق بشر هر کاری مجاز شناخته می شود و هیچ خط قرمزی وجود ندارد. با این تعریف از حقوق بشر دیگر ازدواج و نهاد خانواده اهمیت خود را از دست داده است. خانواده به مثابه یک جامعه قراردادی که در آن دو یا چند نفر عضو هستند، تعریف می شود. کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی به عنوان یک وظیفه باید اطمینان حاصل کنند که جهانی شدن باعث به حاشیه راندن این کشورها نمی شود، چنانکه در مقطع انقلاب صنعتی اتفاق افتاد. در شرایط کنونی با پیشرفتهای سریع که زاینده فن آوری و علوم هستند، درک جهانی از امور را تغییر داده، اندیشه ها و مفاهیم نوینی در روابط انسانی و بین المللی پدید آورده اند. اگر ما یک بار دیگر فرصت همراهی و همگامی با این پیشرفتهای از دست بدهیم، اگر اینها را نادیده بگیریم و در برخورد با آنها به خطا برویم، نه تنها به حاشیه



خواهیم رفت، بلکه محکوم براین خواهیم شد که برای همیشه مغلوب و تحت انقیاد و سلطه دیگران باشیم.

وانگهی ما باید در برابر تضعیف دین و نظام ارزشی خود بایستیم. شاید گمان کنیم که می‌توانیم از جامعه جهانی جدا شویم، اما چنین گمانی خطاست. حتی اگر بتوانیم مرزهایمان را ببندیم، نخواهیم توانست از نفوذ ارتباطات ماهواره‌ای بر جامعه‌مان جلوگیری کنیم. ما به عنوان مسلمان منطقی باید بکوشیم تا جهانی شدن و ضرورت آن را به خوبی درک کنیم. آنگاه نه تنها برای مصون ماندن از خطرات آن بلکه همچنین برای بهره‌گیری از آن، جهت همپایی با کشورهای توسعه یافته چه در فن‌آوری اطلاعات و چه در ظرفیت صنعتی، آماده شویم. اگر ما دغدغه استقلال، ارزشها و دین را داریم، نباید این فرصت را تباه کنیم. اینکه جهانی شدن به سود یا زیان ما باشد، به خود ما بستگی دارد. یک بار دیگر این آموزه قرآنی را به یاد آوریم که «ان... لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»<sup>۳۸</sup> خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه خود، سرنوشتشان را تغییر دهند.

دربحث قدرت فرهنگی مهم‌ترین مسئله، قدرت ایمان و اعتقاد مردم به خداوند و آموزه‌های دینی و جهان بینی اسلامی است. بی‌تردید هیچ قدرتی را نمی‌توانیم با قدرت ایمان یک ملت مقایسه نماییم. اسلام مبارز، اسلام جهاد، اسلام عزت و سربلندی، اسلام ظلم ستیز، اسلام وحدت آفرین، اسلام زهد و بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا و بالاخره اسلام حیات بخش و نجات بخش بزرگ‌ترین سرمایه یک ملت است. اگر مردان پولادین با ایمان ترتیب شوند نه تنها جهانی شدن آنها را متزلزل نمی‌کند بلکه آنها می‌توانند عطر و بوی معنویت و اخلاق انسانی و ارزشهای والا را در سراسر جهان به مشام بشریت برسانند.

بر طبق گفتمان حضرت امام (ره)، برای رفع مشکلات باید ابتدا به تربیت خود اقدام کرد. توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور مستلزم اقدام عاجل در «تربیت فرد ایرانی» است. تربیت دینی شهروندان موجب سلامت جامعه و تربیت سیاسی متدینین، موجب ضمانت پویایی جامعه می‌گردد. با تمرکز و تأمل در تربیت فرد ایرانی براساس آموزه‌های دینی است که جامعه دین مدار بومی ایرانی، خود را از جامعه غربی متمایز می‌سازد. از دیدگاه فقه سیاسی اسلام، ثبات و امنیت جامعه ایرانی منوط به میزان رشد فضایل و اخلاق در بستر عمومی جامعه است. یعنی افراد مؤمن و متدین به واسطه تعهد و التزام به دستورات مذهبی و اخلاق

اسلامی، مایه ثبات و امنیت جامعه هستند. به همین دلیل وظیفه ج.ا.ا. براساس اصل سوم قانون اساسی ایجاد محیط مساعدی برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان، تقوی و مبارزه با مظاهر فساد است.

گذشته از آن، طراحی «استراتژی تربیت فرهنگی» با تولید و باز تولید فرهنگی و مذهبی، موجب آشتی میان ارزشها و واقعیتهای حال و آینده جامعه ایران خواهد شد. «حفظ حاکمیت ملی» مستلزم توسعه فرهنگی و بسط عقلانیت است. خردورزی و نهادینه شدن ارزشها و آموزه‌های دینی و هنجارهای ملی موجب باز تولید فرهنگی است و باز تولید فرهنگی در کنار مؤلفه‌های نظامی، اقتصادی و تکنولوژی، حاکمیت ملی ما را در جهان پرتحول، تحکیم می‌بخشد و اقتدار ملی ما را تضمین می‌کند. «استراتژی تربیت فرهنگی»، تربیت فرد ایرانی را از دوران کودکی مد نظر دارد. تحکیم «نظام خانواده»، تنظیم برنامه‌های تربیتی - آموزشی برای «مهدکودک‌ها و نظام پیش دبستانی»، به عنوان اولویتهای این استراتژی مطرح هستند. همچنین تحول در «نظام آموزش و پرورش» از دیگر اهداف این استراتژی است. نسل کنونی ایرانی، در مقابل آفت تزلزل شخصیت و آسیب‌پذیریهای اجتماعی فاقد مکانیزم دفاعی است. نظام آموزشی به جای گام برداشتن در جهت تثبیت آن دسته از الگوهایی که ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده‌اند، می‌باید با آینده‌نگری زمینه را برای خلق شرایطی که لازمه پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، فراهم آورد. در این استراتژی، نظام خانواده و نظام آموزش و پرورش موظف به آموزش شیوه‌های «درست اندیشیدن»، «درست معاشرت کردن»، «چگونه موافقت کردن»، «چگونه مخالفت کردن»، «شیوه‌های حفظ شخصیت و کرامت انسانی»، «ظلم ستیزی»، «عزت نفس و سربلندی»، «هضم نشدن در برابر موجها و طوفانها» و... می‌باشند.

### قدرت سیاسی

قدرت سیاسی بسیار نقش آفرین و حائز اهمیت است. اگر تعامل ما با جهان بخواد همراه با منطق قدرت و عزت باشد و با جایگاه و منزلت ج.ا.ا. منطبق باشد، باید به ساخت قدرت سیاسی بپردازیم. قدرت سیاسی در سایه یک دولت مقتدر امکان‌پذیر است. شکل‌گیری یک دولت قدرتمند و کیفی آنست که همه امور را در کنترل و نظارت خود داشته باشد اما کمترین اثر و رد پای از خود بر جای نگذارد. چنین دولتی همه نوع کارایی، از جمله کارایی بهره‌گیری صحیح از منابع طبیعی، انسانی، حفظ داراییها و ارزشها و اصول خود را داراست. به این ترتیب

وجود دولتی قوی در ایران ضروری است. دولتی با اعتماد به نفس کامل، باثبات، امنیت آفرین و مردم‌دار؛ زیرا دولتی که به مردم متکی نباشد مانند بوته بی‌ریشه‌ای است که با هر بادی از جا کنده می‌شود. اما شکل‌گیری چنین دولتی، خود موقوف به شرایطی است که به آسانی فراهم نمی‌شود. هرکس بدون توجه به ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری دولت قوی، در پی ساخت دولت قوی باشد به ضعیف‌ترین نوع دولت که در عین حال خشن‌ترین و قدرت‌نماترین دولت است، خواهد رسید.

دولت مقتدر در عین پاس‌داشتن به حقوق شهروندی و اصول روابط بین‌الملل، باید تصویری مطلوب و مناسب از خود در عرصه مناسبات اجتماعی - سیاسی به‌ویژه امنیتی عرضه نماید از طریق: اولاً، قانون‌سازی - گذشته از حداقلی یا حداکثری بودن حضور دولت - نظام سیاسی موظف است که «ایده» خود را در لباس قانون، طرح و عرضه کرده و براساس «قانون» اعمال نفوذ نماید. ثانیاً، سلبی‌نگری - ساخت دولت مقتدر باید ناظر بر «نه»‌های حوزه عمل سیاسی باشد و از ورود به «چه باید کرد»‌ها احتراز جوید تا از این طریق ضمن تبیین «حدود»، آزادی عمل بازیگران را نیز پاس دارد. ثالثاً، عام‌نگری - حضور دولت در عرصه امنیت نباید به صورت موردی و در تماس عرصه‌ها باشد. چرا که این روش به «امنیتی کردن» کلیه موضوعات منتهی شده و در عرصه عمل جز ناامنی نتیجه دیگری به دنبال نخواهد داشت. رابعاً، نگرش حداقلی - بیان «مهم‌ترین» و «کمترین» تعداد از «نه»‌ها در یک نظام سیاسی که در عین اختصار از جامعیت لازم نیز برخوردار باشند. این مسئله خود هنر بزرگی است که به تعدیل حضور دولت در عرصه سیاست و اجتماع منجر می‌شود. داشتن اصول فراوان و دست‌وپاگیر نقطه قوتی برای دولتها نیست. خامساً، عمل قاطع - در نهایت آنچه «دولت مقتدر» را معنادار می‌سازد، عمل به موقع و قاطع دولت در مواجهه با موارد نقض یا تعرض به مقررات می‌باشد که ضمن مقابله با تهدید از حساسیت و جدیت موضوع نیز حکایت داشته باشد.<sup>۳۹</sup>

ساخت دولت قوی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها نیاز است که عمده‌ترین آنها مشارکت سیاسی، توسعه اقتصادی، وفاق اجتماعی است که این مؤلفه‌ها در سه اصل کلی: «مشروعیت»، «ظرفیت» و «وحدت ملی» تبلور دارند. دولتهایی قادرند تا تهدیدات امنیتی را به سهولت مهار کنند که از تهدید کم، قابلیت زیاد و ظرفیت سیاسی انعطاف‌پذیری برخوردار باشند.

۳۹. آلموند، پاول، مونت. چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸.

سیاست خارجی ایران در عرصه روابط بین‌الملل نیز باید به‌عنوان یک مؤلفه مهم قدرت سیاسی مورد نظر قرار گیرد. به نظر می‌رسد در سطح کلان، تعریف شفافی از منافع ملی و برنامه‌ریزی سیاست خارجی ارائه نگردیده است و این امر موجب اثرگذاری چالش‌های داخلی بر فرایند تصمیم‌گیری در روابط خارجی شده است. تا از منافع ملی تعریف کاملاً روشن، آشکار و مشخصی نداشته باشیم، سیاست خارجی مشخص نخواهد شد و در غیاب تعاریف لازم و مشخص از منافع ملی است که سیاست خارجی دچار ابهام و آسیب‌پذیری می‌شود. در کنار این موضوع، عدم تخصص کارگزاران سیاست خارجی و ضعف بازیگری فعال و هوشمندانه در صحنه روابط بین‌الملل موجب تقویت آسیب‌پذیری و تحمیل بار منفی عملکرد سایر بازیگران قدرت اعم از قدرتهای بزرگ و سازمانهای بین‌المللی بر امنیت ملی ایران می‌گردد. طبیعی است که در صحنه سیاست بین‌المللی بحرانها حادث می‌گردند - چه بخواهیم و چه نخواهیم - و تهدیداتی برای منافع، حیثیت، ارزشها و امنیت ملی ما به وجود می‌آیند که نیاز به تصمیم‌گیری سریع، قاطع و حساب شده دارد.

هنوز تعریف مشخص و جامعی از منافع ملی متضمن ارزشها و مصالح دینی و ملی ارائه نگردیده است. در سطح کلان کشور، پارادوکسهایی وجود دارد که هنوز مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند و بخشهایی از آن نیز که شناسایی شده‌اند با نگاه صرف سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. معمولاً به دنبال تبیین یک استراتژی حداکثر گرا هستیم و می‌خواهیم که تمامی اصول و مبانی و خواسته‌ها و اهداف در یک زمان و در دوره‌ای کوتاه تحقق پذیرد. تدریجی و تاریخی فکر نمی‌کنیم. برای تحقق اصول و اهداف خود قائل به ترتب، اولویت بندی و زمان مورد نیاز نیستیم. فهم و شناخت مسائل سیاسی، حکومت داری و مدیریت کشور و به نفع مردم کارکردن، یک امر تخصصی است و با صنعت هیجان‌سازی متفاوت است. چنین به نظر می‌رسد که فهم، شناخت و حل و فصل نهایی چالشها و مشکلات کشور را در خیابانها گسترده‌ایم نه در بحثهای چاره‌ساز میان نخبگان فکری و اجرایی کشور. مهم‌تر از همه، اینکه هماهنگی و انسجام میان اهداف داخلی و خارجی نظام سیاسی کشور کمتر مشاهده می‌شود.

یکی دیگر از مسائل مهم در بحث سیاست خارجی اتخاذ استراتژی ملی معاشرت با جهان است. تحولات بی‌وقفه در روابط بین‌الملل، دیپلماسی دوران گذشته و سیاستمدار و دیپلمات سنتی را بر نمی‌تابد. حداقل تفاوت عمده دیپلماسی دوره کنونی با عصر گذشته آن است که در

آن زمان یک دیپلمات و سیاستمدار سعی می کرد از همتای خود حرف بکشد، اما اکنون تلاش می کند که حرف خود را خوب القا کند. تفکر سنتی و جزم اندیشی یا تحجر سیاسی، سازمان دیپلماسی کشور را در هنرمندی سیاسی در سطح روابط بین الملل عاجز می سازد. ج.ا.ا. همانند سایر بازیگران بین المللی، برای تعقیب منافع ملی خود و تقابل با تهدیدها و تبدیل آنها به «فرصتهای کنش هوشمندانه»، نیازهی تعامل و ایفای نقش فعال در روابط بین الملل است. در این شرایط، نخبگان سیاسی، مذهبی، اقتصادی کشور بالاجبار باید با اجماع نظر، نگاههای متناقض خود را در خصوص رابطه و تعامل با جهان خارج اصلاح نموده و به نگاهی واحد و همسو دست یابند.

«نگاه واحد» مستلزم تیزبینی، درایت، هنرمندی سیاسی و آگاهی از شرایط جهانی است که به مبادله اطلاعات و تکنولوژی و معاشرت سیاسی، فرهنگی و در نهایت به تکامل داخلی (توسعه سیاسی - اجتماعی) بپردازد. طراحی «استراتژی ملی معاشرت با جهان» بدان علت اهمیت حیاتی دارد که انعکاس منافع ملی در سیاستگذاری خارجی را میسر ساخته و متخصصان هنرمند (دیپلماتها) را برای تعقیب این منافع در روابط بین الملل تربیت می کند. استراتژی ملی معاشرت با جهان بر تربیت مذهبی، سیاسی و اجتماعی کارورزان دستگاه دیپلماسی تأکید داشته و بنا دارد تا خلیقات و رفتار ناهمگون که گاهی منافع گروهی و یا شخصی را بر منافع ملی ترجیح می دهد، را تغییر و مأموریت خطیر و ظریف دیپلماسی کشور را به مجموعه ای از متخصصان متدین مسلط به دانش سیاسی و زبان روز، واگذارد. همچنین طراحی استراتژی ملی معاشرت با جهان، مستلزم ادغام سه استراتژی: همگرایی، بازدارندگی و وابستگی متقابل به عنوان ابزار معاشرت با جهان است.

یکی دیگر از مسائل بسیار مهم در اقتدار سیاسی این است که یک دولت بتواند با زبان واحد با دنیا سخن بگوید. امروز یکی از نقطه ضعفهایی که دیگران به ما نسبت می دهند و تا حدی می تواند صحت داشته باشد اینکه در ج.ا.ا. زبان واحد وجود ندارد. متأسفانه شاهد دو زبانی و دو صدایی هستیم و چندصدایی به مفهوم وجود مدیریت ناتوان در یک نظام سیاسی است. ما اگر سه قوه و بخشهای مختلف تصمیم گیری و نهادهای قدرتمند در کشور داریم و اگر در مسائل داخلی اختلافاتی داریم، در برابر بازیگران خارجی و در روابط بین المللی باید یکصدا باشیم. در هر موضوعی در قانون اساسی ما یک فصل الخطابی پیش بینی شده است، آن فصل الخطاب باید سخن نهایی را اعلام نماید. در روابط خارجی بسیار مهم است که یک

صدایی در کشور باشد. دو صدایی موجود بسیاری از مشکلات را برای ما ایجاد کرده است. اگر ادعا کنیم که مشوق بوش رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در جلسه نمایندگان آمریکا جهت استفاده از عنوان «محور شرارت» برای ج.ا.ا و تقسیم حاکمیت به دو بخش انتخابی و غیر انتخابی، همین دو صدایی در کشور بود، مبالغه‌ای نکرده‌ایم. بعد از این سخنان، آمریکاییها از طرق مختلف این مسئله را پیگیری کردند که آیا در داخل کشور برخی از جناحها این موضع‌گیری را به نفع خودشان تشخیص داده‌اند یا نه؟ اینکه آمریکاییها این مسئله را از طرق مختلف مورد ارزیابی قرار داده‌اند، خیلی مهم است. اگر توهینی امروز به ملت ایران می‌شود، منشاء و ریشه آن دو صدایی در این کشور است.

ما یک نظام داریم، ما دارای یک حکومت هستیم. حرف نهایی را در سیاستهای نظام یک مرجع باید بزند. سیاستهای کلی را طبق قانون اساسی، مقام معظم رهبری اعلام می‌کند. فرماندهی نیروهای مسلح با یک نفر است. در زمان بحران فرماندهی کل امور کشور برعهده یک مرجع است. چون در زمان بحران شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیر اصلی کشور است. قانونگذاری در اختیار یک مرجع است. قضاوت نهایی در شکایات و تظلمات برعهده یک نهاد است. اگر همه نهادها دقیقاً به وظایف خود عمل نمایند، شاهد چند صدایی نخواهیم بود. یک صدایی یک اصل بسیار مهم مدیریت، در امور داخلی و در صحنه روابط خارجی است.

ماباید از نظر سیاسی مشروعیت نظام را تقویت کنیم. مشروعیت با مفهوم سیاسی دنیای امروز یعنی کارآمدی و مقبولیت. ظرفیت اقتصادی را در این کشور بالا ببریم و وحدت ملی را به نقطه مطلوب برسانیم و در نهایت با یکصدا و با یک لحن و با یک سیاست و با یک زبان با جهان مواجه شویم. هر چند در مدیریت مسائل داخلی کشور باید دیدگاهها، نظرات و رویافتهای مختلف را ملحوظ کنیم و با تقویت فرآیندهای اجماع‌سازی، با هم کشور را به پیش هدایت کنیم اما در مسائل امنیت ملی و در دفاع از کلیت نظام و مصالح و منافع بیرونی آن باید به وحدت نظر برسیم. در مجموع، تنها راه چاره برای ج.ا.ا. در برابر حرکت جهانی و برای آنکه تهدیدی متوجه نظام و کشور نشود و منافع ملی ما حفظ شود، «اقتدار ملی» است.

والسلام علیکم ورحمه ا... و برکاته